

مقاله پژوهشی

واکاوی معماری دوران نوسنگی و مس و سنگ در کرمانشاه

(مطالعه موردی گنج‌دره و گودین تپه)

سیده سعیده مهدویان^{۱*}، الهام اندرودی^۱، پگاه صامعی یزدی^۱، محمدحسن طالبیان^۱

۱. گروه مطالعات و حفاظت از میراث معماری و شهری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۲

چکیده

منطقه کرمانشاه در زاگرس مرکزی، با محوطه‌های باستانی شاخصی چون گنج‌دره و گودین تپه، از کانون‌های اصلی شکل‌گیری فرهنگی و معماری در دوران پیش از تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. با وجود کاوش‌های متعدد، تمرکز بیشتر پژوهش‌های پیشین بر سفالینه‌ها و ابزارها بوده و به تحلیل‌های کالبدی و فضایی معماری کمتر توجه شده است. این کاستی موجب شده پیوند میان الگوهای ساخت‌وساز و ساختارهای اجتماعی و آیینی جوامع نخستین در این منطقه به‌درستی شناخته نشود. این پژوهش با تمرکز بر گنج‌دره (لایه D، نوسنگی جدید PPNB) و گودین تپه (دوره VI، مس‌سنگی آغازین)، در پی شناسایی و مقایسه الگوهای معماری، سازمان فضایی و عناصر آیینی در این دو محوطه است. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارت‌اند از: (۱) نوآوری‌های معماری گنج‌دره چه نقشی در شکل‌گیری ساختارهای کالبدی محوطه‌های هم‌عصر چون تپه‌زاغه، سنگ‌چخماق و شیخی‌آباد داشته است؟ (۲) وجوه اشتراک و افتراق الگوی معماری گودین تپه با دیگر محوطه‌های شاخص دوره مس‌وسنگ، از جمله شوش III و تل‌ملیان، چیست؟ پژوهش حاضر بر مبنای تحلیل معماری محض و تحلیل سازمان فضایی انجام شده است. داده‌ها شامل گزارش‌های کاوش، پلان‌ها، نقشه‌ها و اسناد تصویری منتشر شده از محوطه‌های مطالعه‌شده است. فرایند تحقیق در سه گام انجام گرفته است: (۱) گردآوری و مستندسازی داده‌های معماری، (۲) تحلیل ساختاری، فضایی و عناصر کالبدی، (۳) مقایسه تطبیقی در مقیاس منطقه‌ای. در این رویکرد تفسیری، هر عنصر معماری، نه به‌عنوان شیء منفرد، بلکه به‌منزله بازتابی از نظم فضایی و فرهنگی جامعه پیش از تاریخ بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد گنج‌دره با ساختاری فشرده، پلان‌های چهارگوش و سازمان‌دهی چسبیده، بازتاب نخستین تجربه‌های سکونت یک‌جانشین و پیوند تنگاتنگ زیست و آیین است؛ در مقابل، گودین تپه با فضاهای مستطیل‌شکل، درگاه‌های قرینه و فرورفتگی‌های مرکزی، نشانگر مرحله‌ای پیشرفته‌تر از سامان‌یافتگی معماری در دوره مس و سنگ است. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها دلالت بر وجود شبکه‌های تبادل فرهنگی و انتقال الگوهای معماری در فلات ایران دارد و جایگاه کرمانشاه را به‌عنوان یکی از محورهای نوآوری معمارانه‌ی زاگرس مرکزی در دوران پیش از تاریخ تثبیت می‌کند.

واژگان کلیدی: دوره نوسنگی، دوره مس و سنگ، تپه گنج‌دره، گودین تپه، معماری پیش از تاریخ.

مقدمه

مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در محوطه‌های نوسنگی و مس و سنگ در منطقه کرمانشاه، اهمیت چشمگیر این ناحیه را در شناخت جوامع پیش از تاریخ ایران آشکار ساخته است؛ با این حال، بیشتر پژوهش‌ها در این حوزه بر جنبه‌های فرهنگی، ابزاری و سفالینه‌ها تمرکز داشته و به معماری و سازمان‌دهی فضایی محوطه‌ها کمتر توجه شده است. این در حالی است که داده‌های معماری به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین منابع برای فهم ساختارهای اجتماعی و نمادین گذشته شناخته می‌شوند. این داده‌ها از طریق تحلیل سازمان فضایی، نوع ساخت‌وساز و نحوه استفاده از فضا،

ظرفیت بالایی برای آشکار کردن روابط فردی، اقتصادی، سیاسی و آیینی در جوامع گذشته دارند (Rotea et al., 2003). در این چارچوب، مطالعه معماری نه‌صرفاً به‌منزله بازمانده‌ای مادی، بلکه به‌عنوان تجلی عینی سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شود؛ رویکردی که مبنای نظری تحلیل حاضر را نیز شکل می‌دهد. در پژوهش‌های انجام‌شده در محوطه‌های نوسنگی و مس و سنگ ایران (Gopnik, H., & Mitchell, 2016; Kleiss, 1997; Desset, 2012; Young, 1969; Smith, 1974; 2018). اغلب به توصیف ویژگی‌های کالبدی بسنده شده و تحلیل تطبیقی ساختارهای معماری میان محوطه‌های هم‌دوره یا هم‌ریشه به‌ندرت دیده می‌شود؛ با این‌همه، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معماری

مطالعات باستان‌شناسی انجام‌شده در محوطه‌های نوسنگی و مس و سنگ در منطقه کرمانشاه، اهمیت چشمگیر این ناحیه را در شناخت جوامع پیش از تاریخ ایران آشکار ساخته است؛ با این حال، بیشتر پژوهش‌ها در این حوزه بر جنبه‌های فرهنگی، ابزاری و سفالینه‌ها تمرکز داشته و به معماری و سازمان‌دهی فضایی محوطه‌ها کمتر توجه شده است. این در حالی است که داده‌های معماری به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین منابع برای فهم ساختارهای اجتماعی و نمادین گذشته شناخته می‌شوند. این داده‌ها از طریق تحلیل سازمان فضایی، نوع ساخت‌وساز و نحوه استفاده از فضا،

۲. وجوه اشتراک و افتراق الگوی معماری گودین تپه با دیگر محوطه‌های شاخص دوره مس و سنگ، از جمله شوش III و تل ملیان چیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند شناختی عمیق‌تر از جریان‌های معماری پیش از تاریخ ایران فراهم کرده و جایگاه منطقه کرمانشاه را در تحولات معماری آن دوران روشن‌تر سازد.

پیشینه تحقیق

منطقه غرب ایران، به‌ویژه استان کرمانشاه، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات باستان‌شناسی پیش از تاریخ در ایران به‌شمار می‌رود. کاوش‌های متعدد در این منطقه، به‌ویژه در تپه‌های گنج‌دره و گودین تپه، اطلاعات ارزشمندی درباره تحولات فرهنگی، معیشتی و معماری در دوره‌های نوسنگی و مس و سنگ ارائه کرده‌اند. تپه گنج‌دره (تصویر ۱ الف) توسط «فیلیپ اسمیت» در دهه ۱۳۴۰ شمسی کاوش شد و پنج لایه استقرار در آن شناسایی شد. اسمیت در گزارش‌های خود به استفاده از خشت‌های یک‌سو کوژ، دیوارهای نازک و ساختارهای چسبیده اشاره کرده است، اما تحلیل تطبیقی آن با دیگر محوطه‌ها انجام نشد (Smith, 1974; 1997). در مورد گودین تپه (تصویر ۱ ب) نیز کاوش‌هایی توسط کایلر یانگ انجام شد که منجر به شناسایی هفت دوره فرهنگی شد. تمرکز اصلی پژوهش‌های یانگ بر سفالینه‌ها و لایه‌های فرهنگی بود و توصیف معماری در درجه دوم اهمیت قرار داشت (Gopnik & Mitchell, 2016; Young, 1969). مطالعات منتشر شده در زمینه معماری در سال‌های اخیر (جدول ۱) تا حدی این کمبود را جبران کرده‌اند و چارچوب نظری مناسبی را

در محوطه‌های مختلف، می‌تواند به شناسایی الگوهای مشترک، نوآوری‌ها و میزان تأثیرپذیری متقابل فرهنگی میان مناطق منجر شود.

در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل ویژگی‌های معماری تپه‌های گنج‌دره و گودین تپه در دشت کنگاور می‌پردازد و آن‌ها را با نمونه‌هایی دیگر از محوطه‌های نوسنگی و مس و سنگ ایران مرکزی و جنوب‌غربی مقایسه می‌کند. گنج‌دره به دوره نوسنگی و گودین تپه به دوره مس و سنگ تعلق دارند. این دو محوطه اگرچه از نظر ساختار فضایی و نحوه سازماندهی سکونتگاه‌ها تفاوت‌های آشکاری دارند، اما به دلیل اهمیت هر یک در روند شکل‌گیری زندگی یک‌جانشینی در زاگرس مرکزی، در این پژوهش کنار یکدیگر بررسی شده‌اند. این قیاس تضادآمیز، بستری مناسب برای درک سیر تحولات بنیادین در معماری، سازمان فضایی و شیوه‌های زیست از دوران ابتدایی استقرار تا دوران شکل‌گیری ساختارهای نهادی فراهم می‌آورد. همچنین، مقایسه گودین تپه با نمونه‌هایی چون تل ملیان یا شوش، که از مراکز اصلی فرهنگ ایلامی محسوب می‌شود، به روشن‌تر شدن تفاوت‌های ساختاری، فضایی و کارکردی میان حوزه‌های فرهنگی مختلف و بازتاب آن‌ها در معماری کمک می‌کند.

سؤال پژوهش

۱. نوآوری‌های معماری تپه گنج‌دره چه تأثیری بر شکل‌گیری و تحول ساختارهای کالبدی محوطه‌های هم‌عصر خود، مانند تپه‌زاغه، تپه سنگ‌چخماق و تپه شیخی‌آباد در دوره نوسنگی داشته است؟



الف



ب

تصویر ۱. تصاویر پانوراما از محوطه‌های باستانی مورد مطالعه، الف) تپه گنج‌دره؛ ب) گودین تپه. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. برخی از مطالعات منتشر شده در زمینه معماری پیش از تاریخ. مأخذ: نگارندگان.

منبع	دوره / محوطه هدف	دستاورد کلیدی برای معماری پیش از تاریخ
طالبیان و همکاران (Talebian et al., 2022)	عصر آهن متأخر / نیایشگاه‌های مادی در نوشیجان، زار بلاغ و ازبکی	معرفی «الگوی دوبخشی» (فضای انتظار-فضای قدسی) و جداسازی حریم قدسی؛ نشان می‌دهد سنت سازهای خشت تا عصر آهن به شیوه‌ای یکپارچه تداوم یافته است.
جاویدنیا و هژبری (Javidnia & Hozhabri, 2020)	عصر آهن متأخر / بنای مرتفع زیویه (مانا)	بازخوانی بنا به عنوان نیایشگاه آیینی؛ تأکید بر نقش «ارتفاع» و تالار ستون‌دار در القای قدسیت و کنترل دید بر دشت پیرامونی
قربانی و همکاران (۱۳۹۸)	عصر مفرغ قدیم / سکونتگاه‌های فرهنگ کورا-ارس پیرامون دریاچه ارومیه	رصد گذار پلان‌های مدور به چهارگوش و ارتباط آن با سازمان فضایی-اجتماعی؛ شناسایی مازول‌های تکرار شونده و واحدهای خانوادگی در معماری اوایل هزاره سوم ق.م

مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر تلاقی دو سنت اصلی در باستان‌شناسی بین‌النهرین استوار است؛ تاریخ فرهنگی و باستان‌شناسی انسان‌شناختی (Matthews, 2003). از نیمه قرن بیستم، باستان‌شناسی پیش از تاریخ از تمرکز بر اشیاء و بناهای منفرد به مطالعه نظام‌مند شکل‌گیری و تحول جوامع انسانی گذر کرد. در این میان، سنت تاریخ فرهنگی که از قرن نوزدهم در اروپا بنیان گرفت (Lyman et al., 1997) همچنان نقش بنیادینی در تعیین حدود زمانی و مکانی فرهنگ‌ها و بازسازی تیپولوژی‌های مادی دارد، در حالی که رویکرد انسان‌شناختی بالهام از آثار رابرت بریدوود و پروژه عراق-جاردو (Braidwood & Howe, 1960)، بُعدی پرسش‌محور، میان‌رشته‌ای و انسان‌محور به این مطالعات افزود. این دو سنت در دهه‌های پایانی قرن بیستم با ظهور گرایش‌های تفسیری تکمیل شدند که بر ابهام، چندمعنایی و جایگاه ناظر در فرایند تفسیر تأکید دارند (Tringham, 1995; Pollock, 1999). در این چارچوب، تحلیل معماری به مثابه بستری برای درک نظام‌های زیستی و اجتماعی جوامع پیش از تاریخی به کار گرفته می‌شود. همان‌گونه که بریدوود در گزارش پروژه جاردو تأکید می‌کند، «باستان‌شناسی اندیشه‌ها» نیازمند بهره‌گیری هم‌زمان از تمامی ابزارهای علمی و تخیل تحلیلی است (Braidwood & Howe, 1960, 7-8). بر همین اساس، ساختارهای سکونت‌دهی در گنج‌دره و گودین تپه نه به عنوان اشیای ایستا، بلکه به عنوان نظام‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که الگوهای تولید، تقسیم کار و بازنمایی‌های نمادین را هم در مقیاس خانگی و هم جمعی بازتاب می‌دهند و خانه به عنوان واحد تحلیلی نقش فعالی در تولید و بازتولید روابط اجتماعی ایفا می‌کند؛ از این منظر، فضاهای خانگی در جوامع نوسنگی، عرصه‌هایی هستند که نیروهای اجتماعی، اقتصادی و نمادین در مقیاسی ملموس و مادی متجسد می‌شوند (Hole 1995; Pollock 1999, 25). در باستان‌شناسی معاصر، مطالعه گذشته بر درک فرایندهای دگرگونی فرهنگی از رهگذر داده‌های مادی استوار است. این رویکرد، تغییرات اجتماعی و شکل‌گیری الگوهای زیست‌انسانی را

برای پژوهش حاضر فراهم می‌سازند. دو مقاله نخست بر بناهای آیینی عصر آهن متأخر و مقاله سوم بر سکونتگاه‌های مفرغ قدیم متمرکز هستند. پژوهش حاضر این زنجیره را به دوران نوسنگی و آغاز عصر مس و سنگ پیوند می‌دهد و نشان می‌دهد که ریشه برخی از مفاهیم شناسایی شده، مانند جداسازی حریم یا انتخاب بستر مرتفع، در معماری گنج‌دره و گودین تپه نیز دیده می‌شود. در حالی که مطالعات پیشین، نمونه‌هایی از همدان، کردستان و آذربایجان غربی را ارائه می‌کنند، تمرکز مقاله حاضر بر کرمانشاه است که حلقه مفقوده زاگرس میانی را تکمیل می‌کند. پژوهش طالبیان و همکاران (Talebian et al., 2022) و جاویدنیا و هژبری (Javidnia & Hozhabri, 2020) بر فضاهای قدسی و تشریفاتی تأکید دارند، در حالی که پژوهش قربانی و همکاران (۱۳۹۷) بیشتر بر پلان و مصالح متمرکز است. پژوهش حاضر برای نخستین بار ویژگی‌های فضایی سکونتگاه‌های نوسنگی را با شاخصه‌های آیینی تلفیق می‌کند و نشان می‌دهد که پیش از تفکیک مرز خانگی-قدسی در عصر آهن متأخر، این مفاهیم در سکونتگاه‌های مس و سنگ در کرمانشاه درهم آمیخته بودند. به‌طور کلی، مطالعات پیشین درباره معابد ماد، نیایشگاه زیویه و سکونتگاه‌های کورا-ارس نشان داده‌اند که تحلیل معماری می‌تواند لایه‌های اجتماعی و آیینی پیش از تاریخ را آشکار سازد، اما دوره نوسنگی زاگرس هنوز از چنین نگاهی بی‌بهره است. پژوهش حاضر با واکاوی تطبیقی تپه گنج‌دره و گودین تپه و بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی این مطالعات، این خلأ را پر کرده و مدلی پیوسته برای تحول مصالح، هندسه پلان و نمادهای قدسی از هزاره هشتم تا ششم پیش از میلاد ارائه می‌دهد؛ بدین ترتیب، اهمیت و ضرورت این پژوهش نه تنها در گسترش دانسته‌های معماری پیش از تاریخ کرمانشاه، بلکه در ایجاد پلی مفهومی میان نخستین خانه‌های خشتی و نیایشگاه‌های باشکوه عصر آهن آشکار می‌شود. وجه تمایز پژوهش حاضر نیز در آن است که با رویکردی تطبیقی، ساختارهای فضایی، هندسه پلان، مصالح و نشانه‌های آیینی را در بستر منطقه‌ای و فرهنگی گسترده‌تری تحلیل می‌کند.

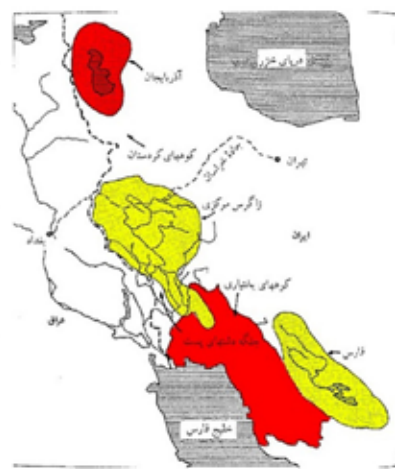
مطالعه معماری، نه صرفاً به‌منزله بازمانده‌ای مادی، بلکه به‌عنوان تجلی عینی سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شود؛ رویکردی که مبنای نظری تحلیل حاضر را نیز شکل می‌دهد. در نتیجه، در این پژوهش، معماری به‌منزله یکی از اصلی‌ترین شواهد مادی برای بازشناسی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع پیش‌تاریخی در نظر گرفته می‌شود. تحلیل کالبدی فضاهای مسکونی، از سازمان فضایی تا فناوری ساخت، امکان فهم منطق درونی زیست، آیین و اجتماع را در بسترهای متفاوت فراهم می‌سازد. از این دیدگاه، خانه و سکونتگاه، نه فقط محل زیست فیزیکی، بلکه عرصه‌ای برای بازنمایی روابط اجتماعی، تقسیم کار و پیوندهای نمادین با محیط‌اند. بر پایه همین رویکرد، تحلیل‌های معماری گنج‌دره و گودین‌تپه و مقایسه آن‌ها با دیگر محوطه‌های هم‌دوره، به‌منزله تلاشی برای خوانش این منطق فرهنگی از دل کالبد مادی تفسیر می‌شوند.

• کرمانشاه، زاگرس مرکزی و انتخاب محدوده مطالعاتی

باتوجه به جایگاه منحصربه‌فرد زاگرس مرکزی در مطالعات باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران، این منطقه به‌عنوان کانون اصلی پژوهش انتخاب شده است. وجود سکونتگاه‌های اولیه و متنوع، از جمله کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده زیست انسانی، اهمیت این ناحیه را دوچندان می‌کند. در همین چارچوب، دو محوطه شاخص بررسی شده‌اند: تپه گنج‌دره به‌عنوان نماینده دوره روستانشینی آغازین و گودین‌تپه در دشت کنگاور که بیانگر معماری دوره مس و سنگ است. دشت کنگاور با دره‌هایی در ارتفاعات بلند، دیواره‌ای طبیعی به طول تقریبی ۱۶۰ کیلومتر پدید آورده است (تصویر ۲) (Hole, 2009, 110). این موقعیت طبیعی نقشی اساسی در شکل‌گیری شبکه‌های استقرار و تداوم سکونت در منطقه داشته است.

حاصل شبکه‌ای از روابط متقابل میان انسان، محیط، اقلیم و ماده می‌داند و هرگونه تبیین تک‌علتی یا جبرگرایانه را ناکافی تلقی می‌کند. بر پایه این نگرش، داده‌های مادی نه بازمانده‌هایی منفعل، بلکه شواهدی فعال از کنش فرهنگی‌اند که در متن تعامل انسان و محیط معنا می‌یابند. در این چارچوب، معماری نیز به‌منزله کنشی فرهنگی فهم می‌شود؛ عرصه‌ای که در آن تصمیم‌های زیباشناختی، عملکردی و نمادین با شرایط زیست‌محیطی و اجتماعی درهم‌تنیده‌اند. از این رو، تحلیل فضاهای معماری و استقرار در این پژوهش بر فهم شیوه‌هایی متمرکز است که از طریق آن‌ها جوامع انسانی در بستر مادی خود فرهنگ، هویت و الگوی سکونت خویش را می‌سازند (Matthews, 2003, 67-70)؛ به بیان دیگر، معماری در نخستین شکل‌هایش محصول ضرورت زیستی نیست، بلکه ابزار بازنمایی و سامان‌دهی اجتماعی است. همین خاستگاه دوگانه زیستی-نمادین، معماری را به یکی از بنیادی‌ترین شواهد مادی در مطالعه تکوین فرهنگ انسانی بدل می‌سازد. از این منظر، در تحلیل داده‌های معماری تپه‌های مورد مطالعه نیز باید خانه را نه همچون یک سازه منفرد، بلکه به‌منزله بیانگر نظام‌های زیستی، آیینی و معنایی جامعه نوسنگی در نظر گرفت؛ جایی که سکونت، آیین و اجتماع در پیوندی ناگسستنی شکل می‌گیرند و کالبد، روایت‌گر تداوم و تحول در شیوه‌های بودن انسان در جهان است.

در پژوهش‌های باستان‌شناسی، داده‌های معماری به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین منابع برای فهم ساختارهای اجتماعی و نمادین گذشته شناخته می‌شوند. این داده‌ها، از طریق تحلیل سازمان فضایی، نوع ساخت‌وساز و نحوه استفاده از فضا، ظرفیت بالایی برای آشکار کردن روابط فردی، اقتصادی، سیاسی و آیینی در جوامع گذشته دارند (Rotea et al., 2003). در این چارچوب،



الف

تصویر ۲. الف) مکان‌های چهار منطقه اصلی در غرب ایران: دشت‌های پست، آذربایجان، زاگرس مرکزی و دشت‌های میان‌کوهی فارس؛ ب) ناحیه زاگرس مرکزی. مأخذ: Hole, 2009, 143-152

• مطالعات کالبدی محوطه‌های منتخب

- گنج‌دره

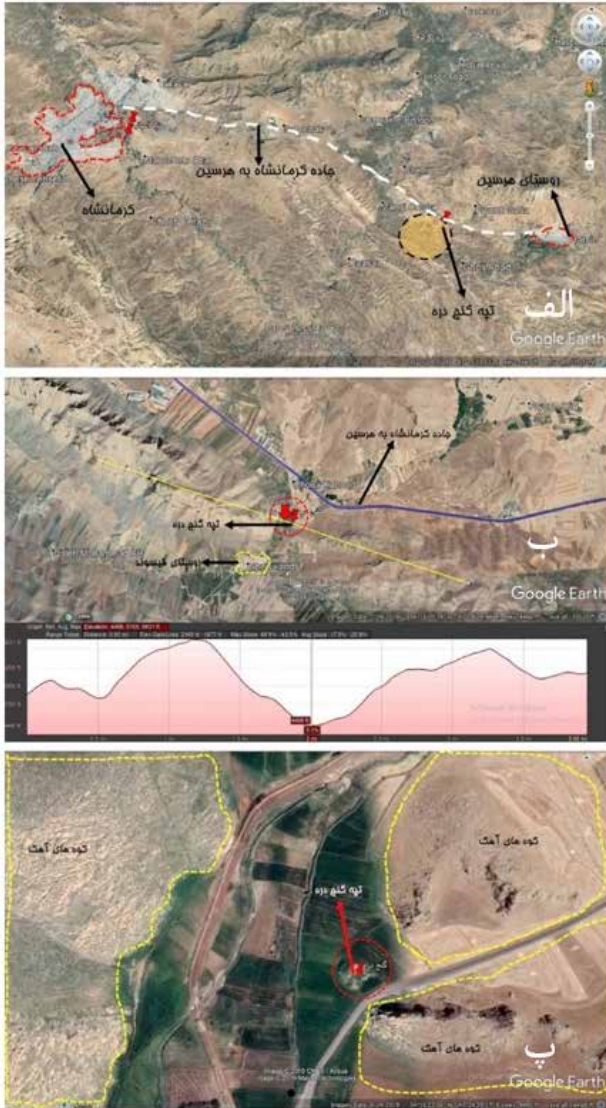
گنج‌دره، تپه‌ای کوچک و مخروطی‌شکل است که در مزرعه‌ای کنار راه کرمانشاه به هرسین و در نزدیکی روستای قیسوند قرار دارد. این محوطه در ارتفاع حدود ۱۴۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است (تصویر ۳ الف) (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲، ۲۵۸). این تپه در دره‌ای مجاور رودخانه‌ای کوچک قرار دارد و به‌صورت برجستگی مشخصی در میان زمین‌های کشاورزی دیده می‌شود. مساحت کنونی آن حدود ۱۳۰۰ مترمربع و عمق لایه‌های استقراری آن بین ۷ تا ۸ متر است (Smith, 1997, 49).

- تحلیل سایت

براساس مشاهدات میدانی، تپه گنج‌دره به دلیل فرسایش به سه برآمدگی تقسیم شده که سه رأس یک مثلث را تشکیل می‌دهند. فاصله این تپه تا لبه جاده تنها حدود ۵ متر است و قاعده مثلث فرضی به‌صورت موازی با جاده قرار دارد. از این قاعده، مسیری شیب‌دار به مرکز تپه می‌رسد که در پایین‌ترین نقطه حدود ۲ متر بالاتر از سطح جاده قرار گرفته است. گنج‌دره تنها محوطه نوسنگی در ایران است که آثار معماری آن کاوش شده و تنها بقایای آن دیواری است که بر اثر بارندگی فروریخته است. عکس‌های هوایی نشان می‌دهد که از شمال‌غربی تا جنوب‌غربی و از شمال‌شرقی تا جنوب‌شرقی دو کوه عظیم آهکی قرار دارد و گنج‌دره همچون گذرگاهی میان این دو کوه عمل می‌کرده است (تصویر ۳ ب)؛ افزون‌براین، چشمه‌ای فصلی از شمال به‌سمت جنوب‌غربی محوطه جریان دارد. امروزه زمین‌های پیرامون گنج‌دره به کشت پیاز اختصاص یافته است و فاصله اندک جاده تا محوطه، آن را در معرض خطر جدی تخریب و نابودی قرار داده است (تصویر ۳ پ). در گنج‌دره پنج لایه استقراری شناسایی شده است که از سطح تپه تا خاک بکر با حروف الفبا از A (لایه فوقانی) تا E (لایه تحتانی) نام‌گذاری شده‌اند. هر یک از این لایه‌ها دارای ویژگی‌ها و ساختارهای معماری خاصی است که مراحل گوناگون سکونت در محوطه را بازتاب می‌دهد. مشخصات و ویژگی‌های هر پنج لایه استقراری در جدول ۲ ارائه شده است.

- تحلیل سازماندهی فضایی و هندسه

تمرکز اصلی ساخت‌وسازهای گنج‌دره در لایه D مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده ثبات نسبی سکونت روستایی است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲، ۲۵۹). معماری این لایه عمدتاً در



تصویر ۳. الف) عکس هوایی از موقعیت مکانی تپه گنج‌دره؛ ب) مقطع موقعیت تپه گنج‌دره؛ پ) گنج‌دره در احاطه کوه‌های آهکی. مأخذ: <https://earth.google.com/web>

جدول ۲. مشخصات طبقات استقراری گنج‌دره. مأخذ: نگارندگان براساس ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲، ۲۵۹.

ویژگی‌های معماری	عمق (متر)	لایه‌ها
دیوارهای دوره نوسنگی ساخته‌شده با خشت‌های قرمز رنگ	از سطح تا حدود ۱/۵ متر	A
معماری چینه‌ای	از حدود ۲ تا ۳ متر	B
معماری چینه‌ای	از حدود ۳/۳ تا ۴/۹ متر	C
معماری چینه‌ای و خشتی	از حدود ۵ تا ۶ متر	D
فاقد معماری مشخص؛ حفره‌هایی با عمق حدود ۵۰ سانتی‌متر در خاک بکر	از حدود ۶ تا ۷ متر (سطح خاک بکر)	E

حکایت دارند (ibid., 58-59).

- شرح جزئیات معماری و سازه

ساختار کالبدی لایه D شواهدی از آتش‌سوزی و بازسازی‌های پیاپی را دربردارد که استمرار سکونت در این محوطه را تأیید می‌کند (Smith, 1997, 51) (تصویر ۵ الف). سازمان‌دهی فضایی در برخی خانه‌ها پیشرفته‌تر بوده و حتی ساخت دوطبقه نیز مشاهده شده است. این فضاها با کارکردهای ترکیبی مسکونی، کارگاهی و خوابگاهی طراحی شده و به‌وسیله تیغه‌ها از یکدیگر تفکیک شده‌اند. برای تقویت دیوارها از دیوارهای کمکی و پرکردن اتاق‌ها همراه با اندود بیرونی استفاده شده که پایداری طبقات بالایی را افزایش می‌دهد است (ibid., 51-52). دیوارها عمدتاً با تکنیک «چینه‌سازی لخت» ساخته شده‌اند که شامل لایه‌های نازک گل و ذرات

راستای جنوب‌شرقی به شمال‌غربی شکل گرفته است، هرچند فاقد نظم هندسی مشخص بوده و تحت تأثیر بازسازی‌های مکرر قرار دارد (Smith, 1997, 54) (تصویر ۴ ت). پلان‌ها غالباً چهارگوشه، گاه نامنظم و با گوشه‌های منحنی‌اند که پیوندی میان فرم هندسی سخت و نیازهای عملکردی ایجاد می‌کنند (Kleiss, 2018, 41; Smith, 1997, 51) (تصویر ۴ الف و ب). چیدمان کلی سکونتگاه، فشرده و به‌صورت «چسبیده» است؛ بدون حیاط یا گذرگاه و ورود به فضاها احتمالاً از طریق سقف انجام می‌گرفته است (Smith, 1997, 51) (تصویر ۴ پ). در کارکردهای فضایی شواهدی از وجود انبار، لاوک^۱ و خمره دیده می‌شود که بیانگر نوعی نظم اقتصادی در سکونتگاه است؛ افزون‌براین، تدفین در کف اتاق‌ها، حضور جمجمه حیوانات و ستون‌های نمادین از وجود لایه‌های آیینی در سازمان فضایی



تصویر ۴. الف) دیوارهای اصلی لایه D در قسمت اصلی محوطه. مأخذ: Smith, 1997, 53; ب) تعیین محدوده احتمالی واحدها؛ پ) عدم وجود معبر یا کوچه در میان سازه‌ها؛ ت) جهت جنوب‌شرقی به شمال‌غربی واحدهای مسکونی. مأخذ: نگارندگان براساس Smith, 1997.

میان، استفاده از خشت‌های ظریف زورقی یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌ها است (تصویر ۶ پ). سطوح داخلی عمدتاً با اندود گل پوشانده می‌شد و نشانه‌ای از تزیینات ویژه در معماری دیده نمی‌شود؛ موضوعی که حاکی از تأکید بر کارکرد و سادگی در ساخت‌وسازها است (ibid., 50). با این حال، خشت‌سازی در گنج‌دره به سطحی پیشرفته رسیده بود. خشت‌های زورقی با قفل و بست مکانیکی ساخته می‌شدند که استحکام سازه و یکپارچگی دیوارها را تضمین می‌کرد (ibid., 54-57) (تصویر ۶ ب).

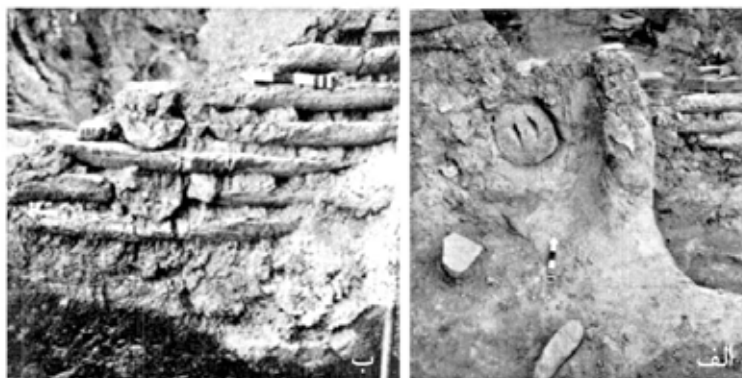
- گودین‌تپه
گودین‌تپه، واقع در دشت کنگاور در زاگرس مرکزی، یکی از

ریز بوده و از هر دو طرف اندود شده است که روشی ویژه برای جداسازی فضاها بوده است (تصویر ۵ ب). همچنین در دیوارها گشودگی‌هایی به شکل مزغل^۲ و تویی^۳ تعبیه شده است که احتمالاً کارکردهایی چون تهویه، نورگیری یا کاربری‌های آیینی داشته‌اند (ibid., 55-57) (تصویر ۶ الف).

- شرح مصالح و تزیینات
یافته‌های معماری نشان می‌دهد که در گنج‌دره، مصالح اصلی، گل، چوب و خشت بوده است. ترجیح این مواد بر سنگ (با وجود وفور سنگ‌های آهکی پیرامون محوطه) بیانگر سنت‌های بومی و تمایل به ساخت‌وساز سریع است (Smith, 1997, 50). در این



تصویر ۵. الف) نمایی از لایه D در فصل حفاری سال ۱۹۷۱ با دیوارهای اصلی و آوارهای سوخته؛ ب) برش چینه لخت در آوار سوخته لایه D. مأخذ: Smith, 1986, 53-56.



تصویر ۶. الف) مزغلی در یکی از دیوارهای لایه D که با تویی مسدود شده است. مأخذ: Smith, 1986, 56؛ ب) برش یک دیوار با خشت‌های زورقی. مأخذ: Smith, 1977, 54؛ پ) برش خشت به دست آمده از گنج‌دره. مأخذ: نگارندگان.

امروزی، همچون وجود امامزاده‌ای منسوب به امامزاده باقر و گورستان وسیع در دامنه‌های شرقی و جنوبی، نشان‌دهندهٔ تداوم قداست و کارکرد اجتماعی این مکان در ادوار متأخر است (تصویر ۷ ب).

ساختار لایه‌نگاری و بازتاب تحولات فرهنگی در گودین‌تپه: کاوش‌های یانگ در گودین‌تپه تا رسیدن به خاک بکر ادامه یافت و مجموعه‌ای پیچیده از لایه‌ها به دست آمد که بازتابی از تحولات فرهنگی، اجتماعی و فناوریانه طی چند هزار سال است (ibid., 120). متأخرترین لایه، گودین I، متعلق به دوران معاصر و شامل شواهدی چون یک قهوه‌خانه و چند قبر است (ibid., 72). در لایه‌های پایین‌تر، گودین II به اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد و گودین III به هزارهٔ دوم پیش از میلاد تعلق دارد که با داده‌های دقیق سفالی، امکان بازسازی توالی عصر مفرغ ایران را فراهم می‌کند (ibid., 121). در لایه‌های زیرین، گودین IV بیانگر استقرارهایی از هزارهٔ سوم پیش از میلاد است، در حالی که گودین VI و VII به دورهٔ مس و سنگ در هزارهٔ ششم تعلق دارند (تصویر ۸). این لایه‌نگاری پیوسته نه تنها بر استمرار سکونت در این محوطه تأکید دارد، بلکه توانایی سازگاری ساکنان را با تغییرات اقلیمی، سیاسی و اقتصادی در طول زمان نشان می‌دهد.

بازبینی لایه‌نگاری گودین VI و بازشناسی تعاملات فرهنگی: یافته‌های نخستین مربوط به گودین VI:1 که در ابتدا تحت عنوان گودین V منتشر شده بود، در پژوهش‌های بعدی مورد بازبینی قرار گرفت. یانگ در سال ۲۰۰۴ با مطالعهٔ مجدد لایه‌نگاری‌ها، آشفتگی موجود در طبقه‌بندی اولیه را اصلاح و تقسیم‌بندی تازه‌ای برای گودین VI ارائه کرد. در این بازبینی روشن شد که آثار مرتبط با فرهنگ اوروک، از جمله سینی‌ها و کاسه‌های لبه‌واربخته، در بخش بالایی لایهٔ VI جای گرفته‌اند و نه در لایه‌ای مستقل (Gopnik & Mitchell, 2016, 448-449).

براساس این تقسیم‌بندی، گودین VI به سه مرحله تفکیک می‌شود: مرحلهٔ VI:3 بیانگر فرهنگی بومی و مستقل پیش از هرگونه تعامل با اوروک است؛ مرحلهٔ VI:2 نخستین نشانه‌های ارتباط با نواحی پست میان‌رودان را آشکار می‌کند؛ و مرحلهٔ VI:1 اوج نفوذ فرهنگی اوروک را نمایان می‌سازد که در آن معماری بیضی‌شکل نقش محوری دارد (تصویر ۹). این مرحله خود به دو زیرمرحلهٔ VI:1a و VI:1b تقسیم شده است که تفاوت‌های آن‌ها بر پایهٔ تغییرات معماری تعریف می‌شود. چنین ساختار تحلیلی، فراتر از یک توصیف سادهٔ لایه‌ها، به فهم بهتر فرایندهای فرهنگی زاگرس مرکزی کمک می‌کند و جایگاه گودین‌تپه را به عنوان نقطه‌ای میانجی میان فرهنگ‌های محلی و تمدن‌های فرمانطقه‌ای برجسته می‌سازد.

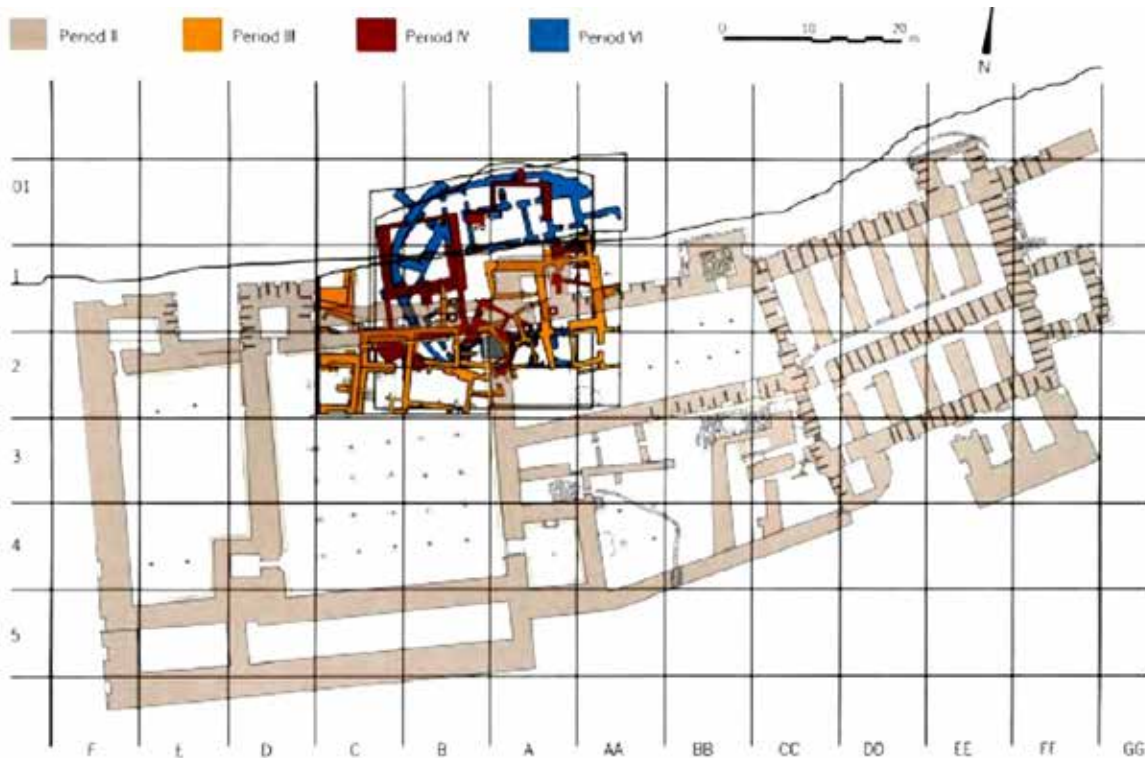
مهم‌ترین محوطه‌های باستانی ایران است. این تپه با وسعتی حدود ۱۵ هکتار و ارتفاع ۳۳ متر از سطح زمین‌های پیرامونی شکل گرفته و ماهیتی طبیعی ندارد، بلکه حاصل انباشت لایه‌های متوالی سکونت و بقایای ویرانه‌های انسانی در طی هزاران سال است (Gopnik & Mitchell, 2016, 66).

تحلیل زمانی و بستر قرارگیری (گودین‌تپه: گره‌گاه جغرافیایی و فرهنگی در گذر زمان): این محوطه در ساحل جنوبی شاخهٔ شمال‌شرقی رودخانهٔ گاماسیاب و در ارتفاع حدود ۳۰ متری از سطح زمین‌های اطراف و ۱۴۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد (تصویر ۷ الف) (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲، ۲۷۶). فاصلهٔ آن تا روستای گودین تنها یک کیلومتر است؛ عاملی که دسترسی به منابع طبیعی و امکان کنترل مسیرهای ارتباطی را برای ساکنان فراهم کرده و انتخاب آن به عنوان محل سکونت بلندمدت را توجیه‌پذیر می‌سازد.

کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که گودین‌تپه بر سر شاهراه شرقی-غربی قرار داشته است؛ مسیری که میان‌رودان را از طریق زاگرس به فلات ایران و نواحی شرقی پیوند می‌داد (Gopnik & Mitchell, 2016, 67). اهمیت این مسیر در دوره‌های بعد با ترکیب شدن با جادهٔ ابریشم دوچندان شد. قرارگیری در امتداد رودخانهٔ گاماسیاب نیز انتقال کالا، فرهنگ و فناوری را تسهیل می‌کرد و گودین‌تپه را به نقطه‌ای واسط در تبادلات تمدنی بدل می‌ساخت (ibid., 68). شواهد میدانی



تصویر ۷. الف) عکس هوایی از موقعیت مکانی گودین‌تپه؛ ب) مقطع موقعیت گودین‌تپه. مأخذ: <https://earth.google.com/web>



تصویر ۸. توالی دوره‌های فرهنگی در گودین تپه. مأخذ: Gopnik, 2011, 35.



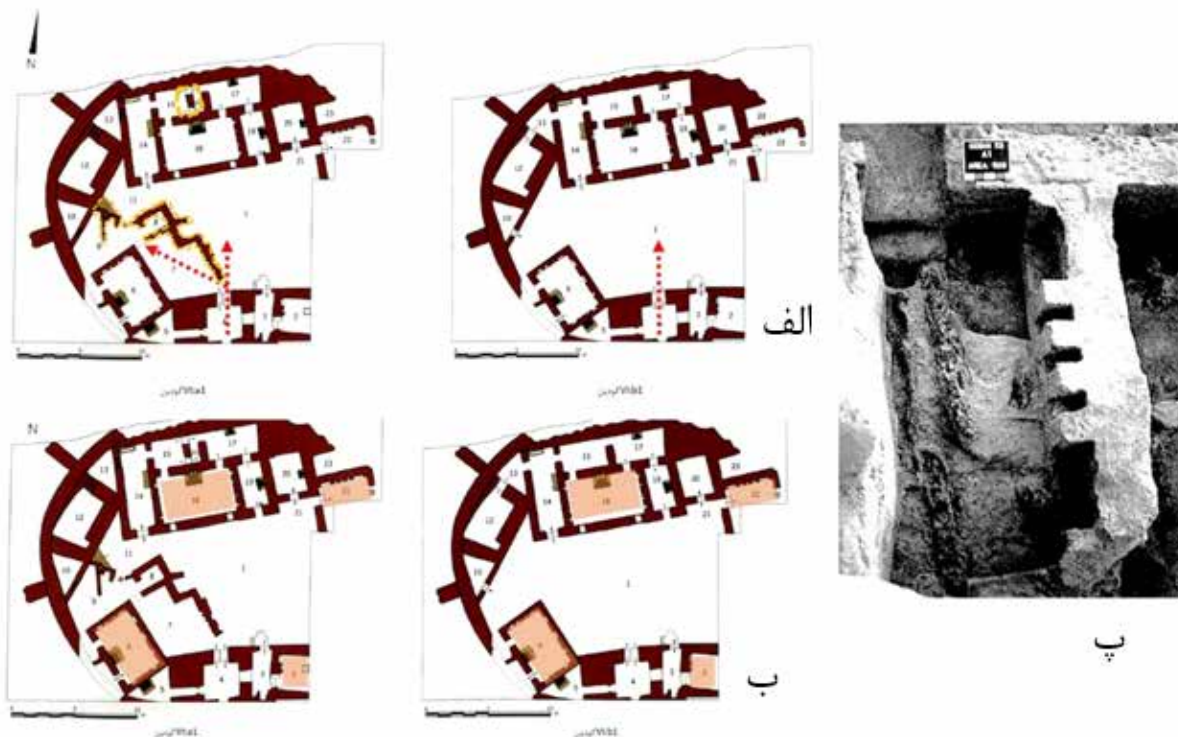
الف

تصویر ۹. الف) پلان سه‌بعدی از بنای بیضی‌شکل مرحله گودین VI:1. مأخذ: Gopnik & Mitchell, 2016, 451. ب) محوطه بیضی‌شکل در گودین VI. مأخذ: Gopnik & Mitchell, 2016, 68.

- شرح سازماندهی فضایی و هندسه

معماری مرحله VI:1 با مجموعه‌ای بیضی‌شکل و حیاطی مرکزی به‌وسعت حدود ۵۶۰ مترمربع مشخص می‌شود. این ساختار از مرز یک سکونتگاه ساده فراتر رفته و کارکردهایی پیچیده‌تر را دنبال می‌کرده است. دیوار بیضی‌شکل در واقع افزوده‌ای متأخر بر بنا است که نشان از رشد تدریجی آن دارد. اتاق‌های مثلثی‌شکل مانند شماره‌های ۱، ۵ و ۱۳ با دیوار محیطی به‌صورت منطبق ساخته شده‌اند و انعطاف‌پذیری فضایی را به‌نمایش می‌گذارند. در فاز VI:1a توسعه کالبدی

بنا مشهود است؛ اتاق‌هایی همچون ۷ و ۹ به مجموعه افزوده شدند و بخش‌هایی از دهلیز به فضای باز تبدیل شده که احتمالاً کاربری آن‌ها نگهداری دام یا انبار موقت بوده است (تصویر ۱۰ الف) (Gopnik & Mitchell, 2016, 503- 506). ورودی اصلی تنها از طریق اتاق ۴ صورت می‌گرفت که نشانه‌ای روشن از کنترل دسترسی و نظارت بر ورود و خروج بوده است (Desset, 2012, 4). تحلیل عملکردی فضاها نیز بیانگر تقسیم‌کاری دقیق است. اتاق ۳ که به‌عنوان بایگانی مهر و موم‌شده کارکردی اداری داشته است؛ اتاق ۵ احتمالاً



تصویر ۱۰. الف) مقایسه گودین VI:1a و VI:1b؛ ب) اتاق‌هایی که دارای طاقچه بودند در VI:1a و VI:1b. مأخذ: Gopnik & Rothman, 2016: 93-94؛ پ) طاقچه‌های دیواری و بقایای تیرهای چوبی سوخته‌شده روی زمین. مأخذ: Gopnik, 2016: 511.

برخی فضاها بیشتر برای گرمایش (مانند اتاق‌های ۱۷-۱۹) و برخی دیگر برای پخت‌وپز (مانند اتاق‌های ۵-۶) طراحی شده بودند (Gopnik & Mitchell, 2016, 507).

روش تحقیق

بر پایه چارچوب پیشنهادی کالیس (Collis, 1999) که متیوز (Matthews, 2003) آن را به‌عنوان ساختار بنیادین پژوهش‌های باستان‌شناسی بازخوانی کرده است، هر پژوهش در سه سطح هدف، داده و شیوه تحلیل تعریف می‌شود (جدول ۳). در این مطالعه، تمرکز بر معماری نوسنگی و مس‌وسنگی زاگرس مرکزی است؛ جایی که فضاها سکونت‌ی به‌منزله‌بازتابی از نظم اجتماعی و فرهنگی گذشته تحلیل می‌شوند. داده‌های پژوهش، شامل گزارش‌های کاوش، پلان‌ها، نقشه‌ها و اسناد تصویری مربوط به گنج‌دره (لایه D) و گودین‌تپه (دوره VI) و نمونه‌های هم‌دوره در نواحی مرکزی و جنوب‌غربی ایران است. روش تحقیق، مبتنی بر تحلیل معماری محض و تحلیل سازمان فضایی انجام می‌شود. در این رویکرد، شکل، سازمان و روابط فضایی در مقیاس‌های خرد و کلان، توصیف و مقایسه می‌شوند تا مدل‌های فرضی از سازمان فضایی و منطق کالبدی بناها استخراج شود. این تحلیل بر کشف روابط میان اجزای معماری، هندسه، جهت‌گیری، مصالح و سازوکارهای آیینی متمرکز است و می‌کوشد بدون تحمیل مفاهیم مدرن، معناهای درونی فضاها را از درون ساختار خودشان آشکار

محل نگهداری یا فضای آشپزی بوده؛ و فضاها شمالی مانند اتاق‌های ۱۴، ۱۹ و ۲۰ برای امور ویژه طراحی شده‌اند. در این میان، اتاق ۱۸ که از حیاط مرکزی جدا و دسترسی به آن محدود بوده، جایگاهی مدیریتی یا آیینی داشته است (Gopnik & Mitchell, 2016, 521-522).

- شرح جزئیات معماری و سازه

شواهدی چون تیرهای چوبی در اتاق ۲۲ نشان می‌دهد که سقف‌ها به‌صورت تخت ساخته می‌شده‌اند (Desset, 2012, 4). ضخامت زیاد دیوارهای پیرامونی اتاق‌های ۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ احتمال وجود طبقه فوقانی یا تراس را تقویت می‌کند. دیوار باریک اتاق ۱۵ نیز به‌عنوان پایه احتمالی پلکان طبقه بالا شناسایی شده است (Gopnik & Mitchell, 2016, 526). چنین شواهدی بیانگر وجود سلسله‌مراتب فضایی و حرکت عمودی در سازمان معماری گودین‌تپه است.

- شرح مصالح و تزیینات

در اتاق‌هایی همچون ۲، ۶، ۱۸ و ۲۲ طاقچه‌هایی منظم دیده می‌شود که هم دارای کارکرد بوده و هم جنبه تزیینی داشته‌اند (Desset, 2012, 4; Gopnik & Mitchell, 2016, 506-507). اجاق‌های مستطیل‌شکل نیز به‌ویژه در اتاق‌های زوج مانند ۵-۶ و ۱۷-۲۰ به‌صورت متقارن و در مرکز فضا تعبیه شده‌اند. این آرایش منظم حاکی از برنامه‌ریزی دقیق برای گرمایش و پخت‌وپز است. همچنین، تنوع نوع اجاق‌ها نشان می‌دهد که

جدول ۳. چارچوب روش‌شناختی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

عنوان	توضیح
موضوع مطالعه	معماری نوسنگی و مس‌وسنگی در زاگرس مرکزی با تمرکز بر گنج‌دره (D) و گودین تپه (VI)
مدل روش‌شناختی	تحلیل معماری محض و تحلیل سازمان فضایی
هدف	بازخوانی و مقایسه الگوهای ساخت، سازمان فضایی و عناصر آیینی در معماری پیش از تاریخ
ماهیت روش	تحلیلی - تفسیری با انعطاف‌پذیری نسبت به تفاوت‌های داده‌ای و مقیاس‌های معماری
ابزار و داده‌ها	گزارش‌های کاوش، پلان‌ها و نقشه‌های معماری، داده‌های تصویری و اسناد تطبیقی از محوطه‌های هم‌دوره
فرایند اجرا	۱. مستندسازی داده‌های معماری و فضایی ۲. تحلیل ساختاری و فضایی عناصر کالبدی ۳. مقایسه تطبیقی در مقیاس منطقه‌ای
محورهای تحلیلی	بستر جغرافیایی و جایگاه راهبردی، الگوی فضایی و سازمان سکونت، فناوری ساخت و مصالح، درگاه‌ها، اجاق‌ها و نشانه‌های آیینی
خروجی تحلیلی	شناسایی الگوهای فضایی و کالبدی سکونت

و ساختارمند در معماری این دوره است. لایه‌های کهن‌تر (VI و VII) بقایای ساده‌تری دارند و بیشتر شامل دیوارهای چینه‌ای و مصالح سنگی هستند، اما اشیایی مانند تیغه‌های سنگ چخماق و ابزار فلزی چون سوزن و درفش از فعالیت‌های تخصصی ساکنان حکایت می‌کنند.

• تحلیل تطبیقی گنج‌دره و گودین تپه

- بستر جغرافیایی و جایگاه راهبردی

گنج‌دره در یک دره کوچک و محصور میان ارتفاعات قرار گرفته و بیشتر کارکردی محلی داشته است. این موقعیت جغرافیایی نشان می‌دهد که این سکونتگاه ماهیتی درون‌گرایانه و عملکردی خودکفایانه داشته است. در مقابل، گودین تپه بر سر یک شاهراه تاریخی جای دارد و دسترسی آن به شبکه‌های ارتباطی گسترده، نقش میانجی فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی را در مقیاسی فرامنطقه‌ای برجسته می‌سازد.

- الگوی فضایی و سازماندهی سکونت

سازمان فضایی در گنج‌دره ساده و فشرده است؛ پلان‌ها به صورت «چسبیده» و درون‌گرا ساخته شده‌اند و اثری از کوچه‌ها یا حیاط‌های مرکزی دیده نمی‌شود. این الگو از زیست‌نیمه‌اجتماعی، صرفه‌جویی در انرژی و تأکید بر امنیت حکایت دارد. در مقابل، گودین تپه ساختاری چندلایه و پیچیده‌تر دارد که تحولات پیوسته معماری و عملکردی را طی هزاران سال بازتاب می‌دهد. وجود فضاهای عمومی و سازمان‌یافته در این محوطه، نشان‌دهنده شکل‌گیری قدرت سیاسی و ساختارهای تشکیلاتی است.

- فناوری ساخت و مصالح

در گنج‌دره سقف‌ها ساده‌تر بوده و شواهدی از تیرریزی منظم در دست نیست، در حالی که در گودین تپه از تیرهای چوبی برای ساخت سقف‌های تخت استفاده می‌شده که شیوه‌ای متناسب با اقلیم خشک منطقه است. دیوارهای گنج‌دره نازک‌تر و مناسب سازه‌های تک‌طبقه‌اند، اما ضخامت زیاد برخی دیوارهای گودین تپه احتمال وجود طبقات فوقانی یا تراس را تقویت می‌کند. همچنین،

سازد. در تحلیل داده‌های معماری پیش از تاریخ، تفسیرها به ندرت واجد قطعیت هستند و هر ساختار یا چیدمان فضایی می‌تواند حامل معانی چندگانه‌ای باشد؛ از این رو، این پژوهش از رویکردی بهره می‌گیرد که به تعبیر راث ترینگهم (Tringham, 1995: 97) می‌توان آن را «چندتعبیری کنترل‌شده»^۵ نامید؛ بدین معنا که ابهام‌های داده‌ها نه حذف می‌شوند و نه آزادانه گسترش می‌یابند، بلکه در چارچوبی مبتنی بر شواهد مادی، لایه‌نگاری و مقایسه‌های تیپولوژیک، مهار و سنجیده می‌شوند. هدف از این رویکرد، حفظ امکان تفسیرهای گوناگون بدون افتادن به دام نسبی‌گرایی است؛ بدین ترتیب، هر فرضیه کارکردی یا نمادین درباره فضاها، تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که با شواهد ساختاری و بافتی محوطه سازگار باشد.

بحث

• شرح یافته‌های معماری

برای مقایسه و تحلیل ویژگی‌های معماری گنج‌دره و گودین تپه، **جدول ۴ و ۵** خلاصه‌ای از داده‌های هر لایه فرهنگی را ارائه می‌کنند. در گنج‌دره، تنوع ساخت‌وساز به‌ویژه از لایه D آشکار است؛ جایی که بافت یک روستای کوچک شکل گرفته و دیوارهای چینه‌ای، مزغل‌ها، لاک‌ها و ترکیبی از مصالح طبیعی مانند خشت، گل، چوب، نی و قلوه‌سنگ به کار رفته است. در لایه‌های بالاتر (A، B و C) تنها بقایای ساده‌تری از دیوارها و اجاق‌ها دیده می‌شود، در حالی که لایه E فاقد سازه بوده و صرفاً شواهدی از آتش‌افروزی و فعالیت انسانی در آن باقی مانده است. در مقابل، گودین تپه به‌ویژه در دوره‌های V و VI معماری پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تری را نشان می‌دهد. در گودین V، مجموعه‌ای منظم از اتاق‌ها و حیاط‌ها درون سازه‌های محصور با دیوار بیضی‌شکل ساخته شده و عناصری همچون بخاری، اجاق، طاقچه و پنجره در آن مشاهده می‌شود. استفاده از آندود آهک سفید همراه با خشت خام و چینه نشان‌دهنده رویکردی مهندسی

جدول ۴. شرح یافته‌های معماری گنج‌دره. مأخذ: نگارندگان.

لایه	عصر	یافته‌های معماری	نوع بنا	اجزای بنا	تزیینات	مصالح	دیگر یافته‌ها
A	اواخر هزاره هشتم تا اوایل هزاره هفتم قبل از میلاد	بقایای دیوار	-	-	فاقد رنگ آمیزی یا تزیینات	خشت‌های قرمز رنگ، گل و چوب	چند اجاق ساده
B	اواخر هزاره هشتم تا اوایل هزاره هفتم قبل از میلاد	بقایای دیوار	-	-	فاقد رنگ آمیزی یا تزیینات	گل، خشت و چوب	-
C	اواخر هزاره هشتم تا اوایل هزاره هفتم قبل از میلاد	بقایای دیوار	-	-	فاقد رنگ آمیزی یا تزیینات	گل، خشت و چوب	-
D	اواخر هزاره هشتم تا اوایل هزاره هفتم قبل از میلاد	بقایای دیوارهای چینه‌ای با راستای شمال‌غربی به جنوب شرقی و وجود مزغل و تویی در برخی دیوارها - ورق‌های گلی برای تفکیک قسمت‌های مختلف - لاوک‌هایی با ۱ متر بلندی، ۳۵ تا ۷۳ سانتی متر پهنا و ضخامت ۵ سانتی متر	خانه‌های مسکونی و کارگاه	- تیرهای افقی و پشتیبان‌های کوچک - دیوارهایی با ضخامت ۳۰ تا ۴۰ سانتی متر - شمع‌های داخلی و خارجی	فاقد رنگ آمیزی یا تزیینات	- سقف‌ها از تیر و شاخه چوب و اندود گل - دیرک‌ها از چوب تبریزی، بیده، حصیر یانی - شمع‌ها از خشت و گل - برخی دیوارها از قلوه سنگ‌های نترشیده - برخی دیوارها از خشت‌های یک‌سو کوژ به طول ۵۰ تا ۹۰ سانتی متر - برخی دیوارها از چینه لخت با ضخامت ۵ تا ۶ سانتی متر	-
E	اواخر هزاره هشتم تا اوایل هزاره هفتم قبل از میلاد	فاقد هر گونه اثر معماری	-	-	فاقد رنگ آمیزی یا تزیینات	-	اجاق چاله‌ای، سنگ، زغال، چوب

جدول ۵. شرح یافته‌های معماری گودین تپه. مأخذ: نگارندگان.

لایه	عصر	یافته‌های معماری	نوع بنا	اجزای بنا	تزیینات	مصالح	دیگر یافته‌ها
V	۲۹۰۰-۳۵۰۰ ق.م	- مجموعه‌ای از اتاق‌ها، حیاط‌ها و انبارهای به شکل مربع یا مربع مستطیل منظم و در بعضی نقاط اشکال غیرهندسی - باقی مانده‌هایی از دیوار حصار بیضی شکل در پیرامون بناها که عریض‌ترین قسمت آن ۱/۵ متر پهنا دارد.	خانه‌های مسکونی و بناهای عمومی	- بخاری - دیواری - اجاق - طاقچه - درگاه - پنجره - دیوار	- طاقچه‌هایی در دیوار و اندود آهک سفید	- خشت خام در دیوارها و آستانه درها - چینه در دیوارها - اندود آهک در دیوارها - اندود گل در کف حیاط اصلی	- تیغه‌های سنگی - مهره از جنس صدف یا گل - پیکرک زن - سوزن برنزی - لوح و مهرهای استوانه‌ای
VI	۳۵۰۰-۵۰۰۰ ق.م	بقایای دیوار	-	-	-	چینه برای دیوارها	- تیغه‌های سنگ - چخماقی - سوزن یا درفش مسی
VII	۵۰۰۰-۵۵۰۰ ق.م	-	-	-	-	چینه برای دیوار - سنگ برای پی	- دو تیغه بلند چهار گوش - تیغه‌های سنگ - چخماقی

در این مطالعه تطبیقی، شاخص‌هایی همچون نوع دیوارسازی، کف‌سازی، تزیینات، هندسه پلان، جهت‌گیری واحدها، درگاه‌های ورودی، پشت‌بندها، اجاق‌ها و شواهد آیینی به‌عنوان معیارهای اصلی مقایسه انتخاب شده‌اند. این معیارها نه تنها بیانگر جنبه‌های کلیدی کالبدی و عملکردی سکونتگاه‌های نوسنگی و مس‌سنگی‌اند، بلکه امکان تحلیل فناوری ساخت، سازمان فضایی، ساختار اجتماعی و باورهای نمادین این جوامع را نیز فراهم می‌کنند؛ بدین ترتیب، هر یک از این مؤلفه‌ها علاوه بر بازتاب شرایط زیست‌محیطی و منابع محلی، بستری برای بررسی شباهت‌ها و تمایزهای فرهنگی میان محوطه‌های مورد مطالعه به‌وجود می‌آورند.

- دیوارسازی و مصالح

ضخامت دیوارهای گنج‌دره معمولاً بین ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر است که در بسیاری از موارد معادل یک خشت محسوب می‌شود (Smith, 1997). این ابعاد در مقایسه با دیگر محوطه‌ها باریک‌تر است؛ به‌طوری‌که در شیخی‌آباد ضخامت دیوارها به ۶۰ سانتی‌متر و در سنگ‌چخماق حتی تا ۱۰۰ سانتی‌متر می‌رسد. در تپه‌زاغه نیز تنوع چشمگیری در ابعاد خشت‌ها دیده می‌شود؛ از اندازه‌های کوچک ۱۲×۳۵ سانتی‌متر تا نمونه‌های بزرگ ۲۵×۸۰ سانتی‌متر (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۶؛ ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲، ۳۲۶). از نظر مصالح، اگرچه چینه در همه این محوطه‌ها کاربرد داشته، اما گنج‌دره ویژگی منحصربه‌فردی را نشان می‌دهد که استفاده از قلوه‌سنگ‌های نتراشیده همراه با اندود گلی و به‌کارگیری خشت‌های کوژ است (Smith, 1997). در مقابل، در تپه‌زاغه از خشت‌هایی ترکیب‌شده با الیاف گیاهی استفاده شده و در سنگ‌چخماق نیز تنها گل ساده برای ساخت‌وساز به‌کار رفته است (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۶ - ۴۰).

- کف‌سازی و مصالح

کف‌های گنج‌دره غالباً با اندود گل پوشانده شده‌اند (Smith, 1997, 50). این در حالی است که در شیخی‌آباد و سنگ‌چخماق روش ساده‌تری به‌کار رفته و کف‌ها با خاک کوبیده ساخته شده‌اند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴؛ ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۶). در تپه‌زاغه، رویکردی تلفیقی مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که از ترکیب خاک کوبیده و اندود گل استفاده شده است (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۴۰). این تفاوت‌ها بیانگر انتخاب مصالح براساس منابع در دسترس و نیازهای کارکردی متفاوت جوامع هر محوطه است.

- تزیینات

در گنج‌دره هیچ‌گونه تزیین قابل توجهی در سطوح مشاهده نمی‌شود (Smith, 1997, 50). این سادگی در تضاد آشکار با محوطه‌هایی چون سنگ‌چخماق و زاغه است. در سنگ‌چخماق کف‌ها با رنگ قرمز اندود شده‌اند (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵، ۶) و در زاغه نیز نقوش هندسی و سفال‌های منقوش برای تزیین

نبود شواهد از عناصر دسترسی عمودی در گنج‌دره بیانگر سازمان فضایی افقی و ساده است، در حالی که دیوار باریک در اتاق ۱۵ گودین تپه احتمالاً بیانگر وجود نوعی پلکان برای حرکت عمودی در فضا است.

- بُعد آیینی و فرهنگی

گنج‌دره نشانه‌های روشنی از پیوند عملکرد زیستی و آیینی در خود دارد؛ تدفین در کف اتاق‌ها، نصب جمجمه حیوانات و طاقچه‌های آیینی، همگی بازتاب‌دهنده جهان‌بینی یکپارچه‌ای میان مرگ و زندگی هستند. وجود امام‌زاده و گورستان معاصر در دامنه‌های گودین تپه نشان می‌دهد که تقدس مکان در دوره‌های متأخر همچنان حفظ شده، اما شواهد آیینی در لایه‌های پیش‌تاریخی این محوطه کمتر گزارش شده است.

- ساختار زمانی و تداوم زیست

استقرار در گنج‌دره موقتی‌تر و کوتاه‌مدت‌تر بوده و در پنج لایه مشخص قابل شناسایی است که بیشترین تمرکز آن در لایه D مشاهده می‌شود. این وضعیت از الگویی مبتنی بر آزمون و خطا در تجربه سکونت حکایت دارد؛ اما گودین تپه حاصل انباشت چند هزار سال سکونت مداوم است و لایه‌های فرهنگی متنوع‌تری را در خود جای داده که جایگاه مرکزی و ماندگار آن را در تحولات منطقه‌ای نشان می‌دهد. به‌طور کلی، گنج‌دره را می‌توان بازتاب یک سکونتگاه روستایی نخستین دانست که بر انسجام خانوادگی، سازمان فضایی تجربی و پیوند هم‌زمان کارکردهای زیستی و آیینی استوار است، در حالی که گودین تپه جایگاه یک مرکز منطقه‌ای را نمایان می‌سازد که با کارکردهای فرمانطقه‌ای، ساختاری متحول و لایه‌لایه در گذر زمان شکل گرفته است.

- تحلیل تطبیقی گنج‌دره با نمونه‌های هم‌دوره

براساس بررسی معماری گنج‌دره و گودین تپه، در این بخش شباهت‌ها و تفاوت‌های کالبدی آن‌ها با دیگر محوطه‌های هم‌دوره تحلیل می‌شود. محوطه‌های انتخاب‌شده شامل شیخی‌آباد، سنگ‌چخماق و تپه‌زاغه هستند که به‌عنوان نمونه‌هایی شاخص از دوران نوسنگی تا آغاز عصر مس در نواحی مرکزی و غربی ایران انتخاب شده‌اند.

شیخی‌آباد، واقع در کرتویج صحنه و متعلق به دوره نوسنگی بدون سفال، با ساختارهای دوگانه خود (ساختمان‌های مسکونی و آیینی) و دیوارهایی با ضخامت چشمگیر ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر شناخته می‌شود (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰). سنگ‌چخماق در نزدیکی شاهرود با دو تپه و چند فاز استقرار، ویژگی‌هایی چون خانه‌های خشتی بزرگ، کف‌های رنگ‌آمیزی‌شده و اجاق‌های آیینی را در خود جای داده است (Tsuneki, 2014). در تپه‌زاغه در دشت قزوین نیز، کاوش‌ها ۱۷ لایه استقرار را آشکار ساخته‌اند که نشان‌دهنده ساخت خانه‌هایی با خشت و چینه، سقف‌های چپوله و تزیینات دیواری رنگی است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲).

سنگ چخماق و تپه زاغه، معماری بر مبنای درگاه‌های مشخص شکل گرفته است؛ این درگاه‌ها دارای اجزای کامل معماری مانند پاشنه‌های سنگی بوده‌اند (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۸-۴۰). این تفاوت‌ها احتمالاً بازتابی از تمایز در ساختار اجتماعی و مفهوم حریم خصوصی در جوامع مورد بررسی است.

- مراسم آیینی

گنج‌دره شواهد روشنی از عناصر آیینی در معماری خود دارد. مجموعه گوسفند وحشی درون طاقچه‌ها و ستون‌های گلی کشف شده در این محوطه، بیانگر حضور نمادهای قدسی در فضاهای زیستی است (Smith, 1997, 59). در شیخی آباد نیز فضاهای آیینی مستقل شناسایی شده‌اند که در آن‌ها اسکلت‌های حیوانی همراه با رنگ آمیزی آخری قرار داشته‌اند (محمدی‌فرو و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴). در سنگ چخماق نیز قربانگاه‌هایی با اجاق در برخی فازهای استقراری کشف شده است (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۶). در مجموع، این شواهد نشان‌دهنده جایگاه محوری عناصر نمادین و آیینی در معماری و سازمان فضایی سکونتگاه‌های نوسنگی است (تصویر ۱۲).

- پشت‌بندها

در گنج‌دره، پشت‌بندها عمدتاً به صورت ساختارهای تقویتی داخلی یا دیوارهای مکمل ساخته شده‌اند (Smith, 1997, 51-52). در شیخی آباد و سنگ چخماق نیز پشت‌بندهایی با فرم مستطیلی و محل قرارگیری مشخص شناسایی شده‌اند که نقشی اساسی در استحکام بناها داشته‌اند. در تپه زاغه، این عناصر بیشتر به صورت پشت‌بندهای خارجی و چسبیده به دیوار اتاق‌ها ظاهر می‌شوند (محمدی‌فرو و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵).

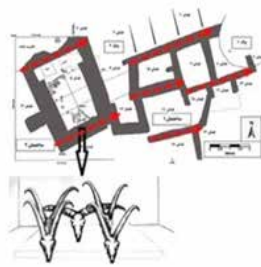
دیوارها به کار رفته‌اند (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲، ۳۲۶). چنین اختلافی نشان می‌دهد که زیبایی‌شناسی و نمادپردازی در این محوطه‌ها جایگاه متفاوتی داشته و احتمالاً با کارکردهای فرهنگی و اجتماعی متمایز هر جامعه مرتبط بوده است.

- هندسه و جهت‌گیری واحدهای ساختمانی

واحدهای ساختمانی در گنج‌دره عمدتاً در راستای جنوب‌شرقی-شمال‌غربی ساخته شده‌اند؛ الگویی که در شیخی آباد و زاغه نیز تکرار می‌شود (Smith, 1997, 51؛ محمدی‌فرو، ۱۳۹۰، ۱۴). در مقابل، در سنگ چخماق ساخت‌وسازها بیشتر در راستای شمالی-جنوبی دیده می‌شود (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۶) (تصویر ۱۱). از منظر هندسی نیز در همه محوطه‌ها پلان‌های چهارگوش غالب هستند، اما در گنج‌دره تنوع بیشتری به چشم می‌خورد. وجود پلان‌های دوزنقه‌ای و نامنتظم در کنار پلان‌های معمول چهارگوش نشان‌دهنده انعطاف و خلاقیت بیشتر در طراحی فضاهاست (Smith, 1997, 51; Kleiss, 2018, 40).

- درگاه ورودی

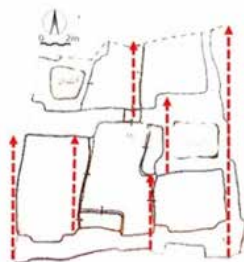
یکی از ویژگی‌های شاخص معماری گنج‌دره، الگوی «چسبیده» و فاقد معبر است که به سنت‌های معماری آناتولی شباهت دارد (Smith, 1997, 51). در این الگو، واحدهای مسکونی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دسترسی مستقیم از بیرون ممکن نیست و ورود به فضا احتمالاً از طریق سقف صورت می‌گرفته است؛ مشابه این الگو در شیخی آباد نیز دیده می‌شود (محمدی‌فرو و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴). در نقطه مقابل، در تپه



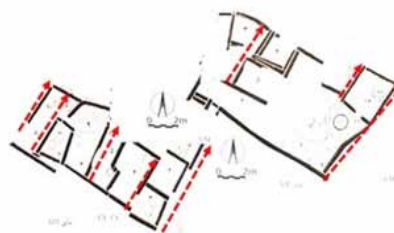
پلان تپه شیخی آباد (منبع: یعقوب‌پور، ۱۳۹۰، ۱۴)



پلان لایه D گنج‌دره (منبع: اسمیت، ۱۹۹۷، ۵۲)

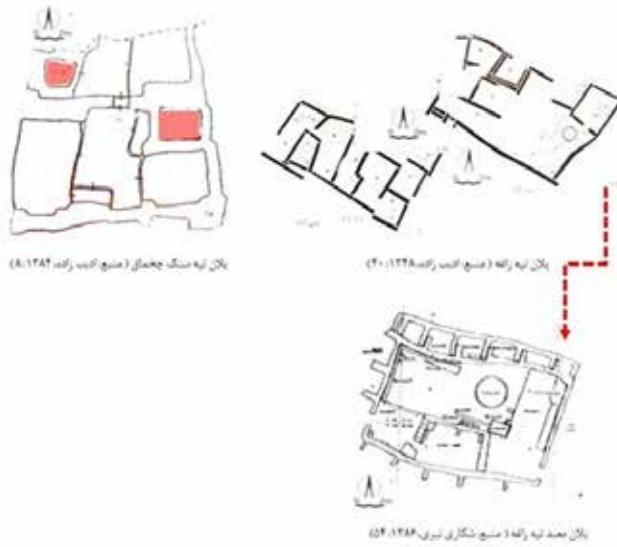
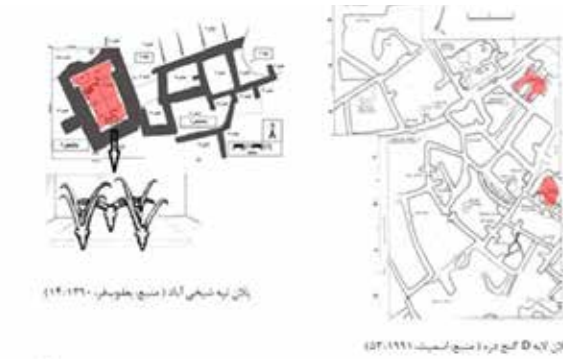


پلان تپه سنگ چخماق (منبع: ادیب‌زاده، ۱۳۸۴، ۸)

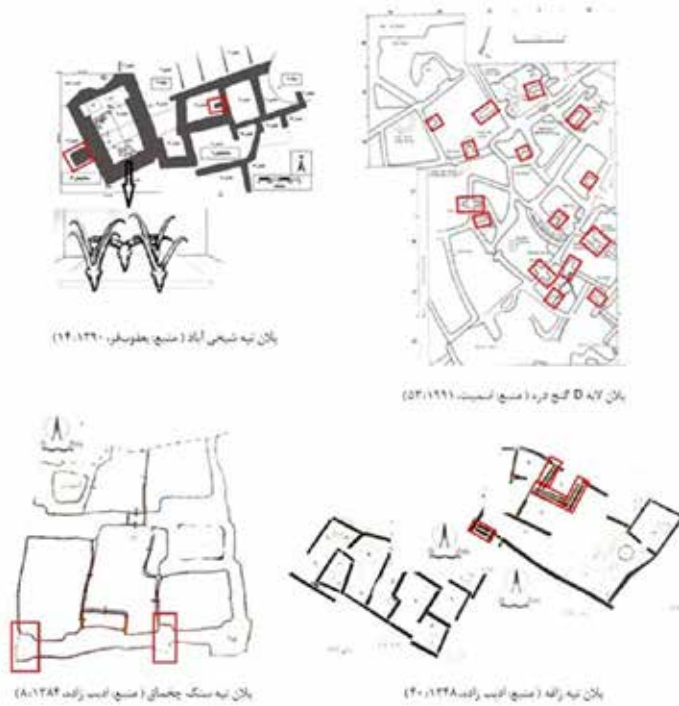


پلان تپه زاغه (منبع: ادیب‌زاده، ۱۳۸۴، ۴۰)

تصویر ۱۱. نقشه و جهت‌گیری ساختارهای معماری در نمونه‌های تطبیقی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. محل فرارگیری اتاق‌ها با کاربرد آیینی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۳. محل فرارگیری پشت‌بندها در دوره نوسنگی. مأخذ: نگارندگان.

(Smith, 1997, 49؛ ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۸ - ۳۹). این تفاوت‌ها پرسش‌هایی را درباره شیوه کاربری فضاهای داخلی مطرح می‌کنند و این احتمال را به وجود می‌آورند که فعالیت‌های پخت‌وپز در گنج‌دره و شیخی‌آباد به فضاهای بازتر یا عمومی واگذار می‌شده است. در پایان، برای سهولت بررسی، جدول ۶ مقایسه تطبیقی شاخص‌های کالبدی در محوطه‌های مورد بررسی را به صورت مجزا ارائه می‌دهد.

- تحلیل تطبیقی گودین تپه با نمونه‌های هم‌دوره

حضور پشت‌بند در تمامی این محوطه‌ها بیانگر آگاهی سازه‌ای و مهندسی پیشرفته ساکنان و تلاش آنان برای افزایش پایداری معماری است (تصویر ۱۳).

- اجاق

یکی از نکات قابل توجه در گنج‌دره، فقدان اجاق در پلان لایه D است. این وضعیت در شیخی‌آباد نیز مشاهده می‌شود. در مقابل، در سنگ‌چخماق اجاق‌های بزرگ با کارکرد آیینی کشف شده و در تپه‌زاغه نیز شواهدی از اجاق‌های نان‌پزی وجود دارد.

جدول ۶. مطالعه تطبیقی تپه گنج‌دره با تپه‌های هم‌عصر مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.

تپه‌زاغه	سنگ چخماق	شیخی‌آباد	گنج‌دره	
دیواری ساخته‌شده از خشت با ابعاد ۲۵×۸۰ تا ۱۲×۳۵	ضخامت ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر	ضخامت بین ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر	ضخامت اندک آن‌ها در قیاس با دیوارهای بیشتر محوطه‌های نوسنگی - لایه D دیوارها با ضخامت ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر به پهنای یک خشت	دیوار
اندود گل و خاک کوبیده‌شده به صورت توأمان	خاک کوبیده	خاک کوبیده	اندود گل	کف
- دیوار چینه‌ای خشت ساخته‌شده از مخلوط خاک رس، شن ریزه و سبزیجات خردشده	- دیوار چینه‌ای - گل	دیوار چینه‌ای	- چینه‌ای - برخی از دیوارها قلوه‌سنگ‌های نتراشیده دو طرف اندودشده - خشت یک‌سو کوژ	مصالح
سطوح دیوارها با گل اخری و یا مواد رنگی (قرمز، زرد، سیاه، سفید)	لکه‌های قرمز در کف	ندارد	سطوح فاقد رنگ آمیزی و تزیینات	تزیینات
هندسه بناها به شکل مربع مستطیل‌های نامنظم	هندسه بناها به شکل مربع مستطیل‌های نامنظم	اتاقک‌های مکشوفه به شکل منظم و زاویه‌دار	- لایه D فاقد پلان گرد لایه D چهار گوش و کم‌وبیش راست گوشه و دوزنقه‌ای شکل، برخی با پلان بسیار نامنظم - محل اتصال دو دیوار فاقد کنج و به شکل منحنی	هندسه
جهت بناها شمال شرقی - جنوب غربی	کشیدگی آن‌ها به صورت شمالی - جنوبی	جهت‌گیری اتاق‌ها جنوب غربی - شمال شرقی	اتاق‌های طبقه استقرار D جهت‌گیری جنوب شرقی - شمال غربی	جهت‌گیری
هر واحد با ورودی مجزا	هر فضا دارای ۲ درگاه ورودی به عرض ۷۰ سانتی‌متر الی ۱/۲ متر	فاقد هر گونه ورودی	- بناها متمرکز و فاقد معبر و کوچه - فاقد حیاط مرکزی و محوطه باز - فاقد درگاه قابل تشخیص و احتمال تردد از سقف	درگاه
دیواره‌هایی که از بیرون به دیوار اتاق‌ها چسبیده‌اند	فرم پشت‌بندها به صورت مستطیلی	پشت‌بندهایی با ضخامت ۲۲ سانتی‌متر و طول ۳۴ سانتی‌متر	ساخت دیوارهای مکمل برای تقویت دیوارهای ضعیف	پشت‌بندها
نوعی اجاق برای پختن نان، به شکل سکوی کوتاهی از لایه‌های متعدد گل و شن در حیاط - یک اجاق خشتی در داخل اتاق	اجاق‌هایی به ابعاد ۱×۱/۲ روی سکو در کنار دیوار اتاق میانی در کنار پله‌ها	فاقد اجاق	- لایه A و لایه E با بقایای تعداد زیادی اجاق کوچک و بزرگ - لایه D فاقد هر گونه اثر از وجود اجاق	اجاق
به نماد مشخصی دست نیافتیم	دو اتاق دارای قربانگاه و جایگاه آتش در فازهای III، IV و V	قرارگیری اسکلت سر چهار بز کوهی و یک گوسفند وحشی در انتهای فضا و استفاده از رنگ گل اخری بر روی دندان‌هایشان	- یک جفت جمجمه گوسفند وحشی نصب‌شده در طاقچه‌ای زیرزمینی یادآور نیایشگاه - ستون گلین عجیب با سنگ‌هایی بر بالای آن یادآور نکات پیچیده‌ای و رای فرم و کالبد آن	آیینی

برقرار بوده و دیوارها در برخی نقاط با زوایای نامنظم به یکدیگر متصل شده‌اند (Sumner, 2003, 23-27).

- مصالح ساختمانی

در گودین تپه مصالح اصلی شامل خشت و چینه بوده و کف حیاطها با اندود گل پوشانده شده است (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۸۰). در شوش III، آجر گلی به‌عنوان ماده غالب به‌کار رفته و برخی سطوح با گل آخرا پوشیده شده‌اند (Le Brun, 2020, 105; Perrot & Dollfu, 1997). در تل ملیان اما شاهد سطح بالاتری از فناوری هستیم؛ دیوارها با آجر پخته و ملات گچ ساخته شده، پی‌ها از قلوه‌سنگ و گل آجری شکل گرفته و کف‌ها با گچ و خاک رس پوشیده شده‌اند. برای سقف نیز تیرهای چوبی به‌کار رفته است (Sumner, 2003; Desset, 2012, 9-10).

- سازماندهی فضایی با محوریت دیوار میانی

از ویژگی‌های مشترک میان گودین تپه، تل ملیان و شوش III، وجود اتاقی مستطیل شکل با دیواری طویل در مرکز است. در میانه این دیوار، سکوی مستطیلی یا فرورفتگی عملکردی ساخته شده و دو ورودی متقارن در دو سوی آن قرار دارد (Desset, 2012, 10-12). این ساختار که در پلان‌های هر سه محوطه مشاهده شده، بازتاب‌دهنده تقارن فضایی و سازمان‌دهی هدفمند است و امکان دسترسی دو گانه به فضای مرکزی را فراهم می‌کرده است.

- اجاق مرکزی و عملکرد آیینی

سکوی میانی یا فرورفتگی‌های ساخته‌شده در دیوار مرکزی اغلب با اجاق یا تنوره‌های گلی همراه بوده‌اند. در گودین تپه، این سکوی مستطیل شکل درون دیواری ضخیم تعبیه شده و در دو سوی آن درگاه‌هایی قرار داشته‌اند که فضاهای جانبی را به بخش مرکزی متصل می‌کردند (Gopnik & Mitchell, 2016, 507). در تل ملیان نیز الگوی مشابهی با اجاق مرکزی شناسایی شده است. در شوش III همین طرح با سکوی میانی و درگاه‌های متقارن در مرکز دیوار دیده می‌شود (تصاویر ۱۴ تا ۱۷)؛ افزون‌براین، در برخی نمونه‌ها طاقچه‌ها و فرورفتگی‌های کوچکی در دیوارهای جانبی برای نگهداری وسایل ساخته شده‌اند.

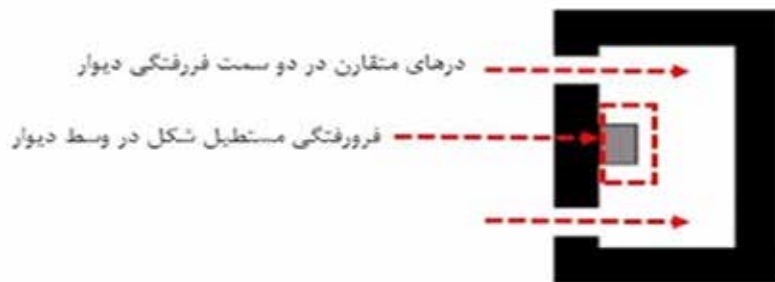
- هم‌ریختی الگوهای فضایی در حوزه‌های فرهنگی مختلف

بررسی الگوی فضایی مشترک در سه محوطه گودین تپه، تل ملیان و شوش III نشان می‌دهد که در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، طرح‌های مشابهی در سه منطقه فرهنگی متفاوت (زاگرس مرکزی، فارس و خوزستان) رواج یافته‌اند. این هم‌ریختی فضایی را می‌توان نشانه‌ای از وجود ارتباطات فرهنگی، الگوگیری متقابل یا حتی اشتراک در بنیان‌های اعتقادی و آیینی دانست. چنین الگوهایی در سده‌های بعدی نیز استمرار یافته و در معماری‌های

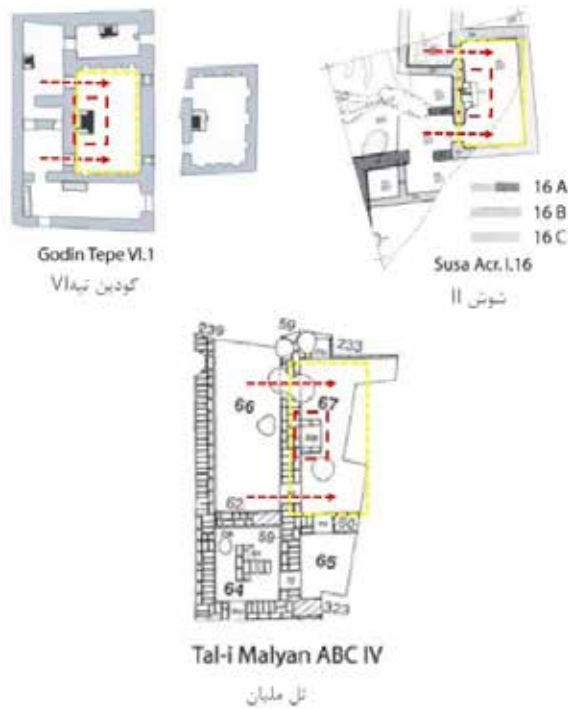
به‌منظور سنجش جایگاه کالبدی و فضایی گودین تپه در بستر معماری اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، دو محوطه شاخص تل ملیان و شوش III به‌عنوان نمونه‌های تطبیقی انتخاب شده‌اند. این دو محوطه که به ترتیب در فارس و خوزستان قرار دارند، از مراکز مهم شکل‌گیری فرهنگ ایلامی به‌شمار می‌آیند و داده‌های معماری آن‌ها امکان مقایسه‌ای دقیق با گودین تپه را فراهم می‌سازد. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این سه محوطه نه تنها در شناخت شیوه‌های ساخت و ساز، بلکه در بازخوانی شبکه‌های تبادل فرهنگی و الگوهای سازمان فضایی جنوب غرب ایران نیز اهمیت دارد. تل ملیان (انشان) در ۴۶ کیلومتری شمال شیراز واقع شده و به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر آغاز ایلامی در دشت مرو دشت شناخته می‌شود. وسعت آن با مراکز چو شوش و حتی شهرهای سومری قابل مقایسه است (Andaroodi et al., 2020, 57). شوش III نیز که شامل لایه‌های ۱۴ تا ۱۷ مجموعه‌ی باستانی شوش است، به اواخر هزاره چهارم و آغاز هزاره سوم پیش از میلاد تعلق دارد (Desset, 2012). شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در این دوره تل ملیان و شوش روابط گسترده فرهنگی و سازمانی با یکدیگر داشته‌اند (خانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۲). برای تحلیل تطبیقی، سه شاخص اصلی انتخاب شده است: «هندسه پلان»، «مصالح ساختمانی» و «سازمان فضایی با دیوار میانی» و «اجاق مرکزی». این مؤلفه‌ها که از بنیادی‌ترین عناصر معماری پیشاتاریخی به‌شمار می‌روند، علاوه بر جنبه‌های فنی ساخت و ساز، بازتاب‌دهنده جهان‌بینی و شیوه‌های زندگی جوامع مورد مطالعه نیز هستند. انتخاب این محورها بر مبنای بیشترین اشتراک ساختاری در داده‌های کاوش شده و همچنین قابلیت مقایسه دقیق میان گودین تپه و دو محوطه شاخص دیگر، یعنی تل ملیان و شوش III، انجام شده است. در این سه محور می‌توان هم‌ریختی‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های تأثیرگذاری متقابل را بهتر شناسایی و تحلیل کرد.

- هندسه پلان

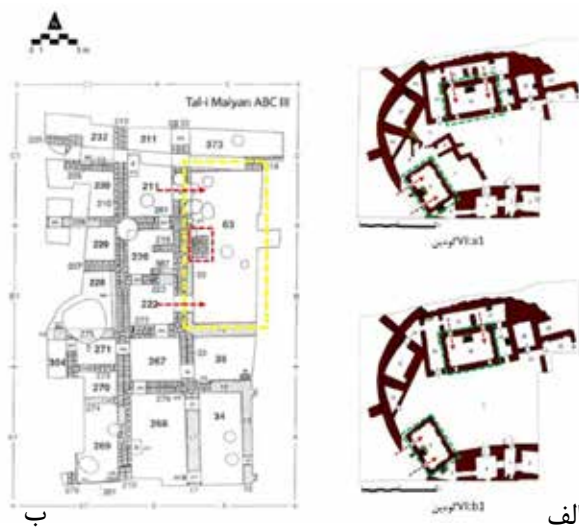
پلان‌های گودین تپه ترکیبی از اتاق‌ها، انبارها و حیاط‌هایی با اشکال مربع، مستطیل و گاه نامنظم‌اند که ساختاری متنوع و در عین حال عملکردی به‌وجود آورده‌اند (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ۸۰). در شوش III، الگوی رایج اتاق‌هایی به شکل مستطیل باریک و کشیده است و مجموعه‌های مسکونی از طریق حیاط‌ها یا فضاهای باز دارای تنور و کوره سازمان‌دهی می‌شوند (Le Brun, 2020, 105; Perrot & Dollfu, 1997, 52). در تل ملیان نیز بافتی متراکم و ارگانیک دیده می‌شود که از فضاهای مستطیل شکل، چندضلعی و راهروهای باریک تشکیل شده است. پیوند میان این فضاها اغلب از طریق حیاط‌های مرکزی و راهروها



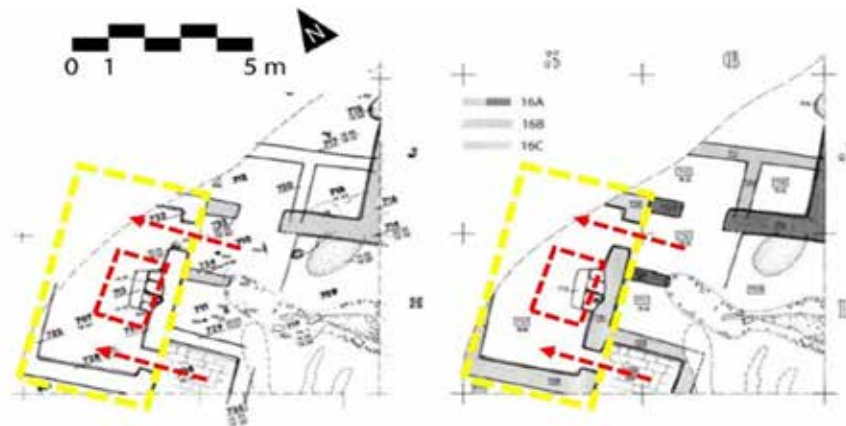
تصویر ۱۴. الگوی طراحی پلان در هزاره چهارم پیش از میلاد. مأخذ: Desset, 2012, 1.



تصویر ۱۵. الگوی یکسان طراحی در شوش III، کودین VI و تل ملیان. مأخذ: Desset, 2012, 14.



تصویر ۱۶. الگوی یکسان طراحی در هزاره چهارم پیش از میلاد در کودین تپه. مأخذ: Ggopnik, 2011, 93-۹۴؛ (ب) الگوی یکسان طراحی در هزاره چهارم پیش از میلاد در تپه ملیان. مأخذ: Desset, 2012, 9.



تصویر ۱۷. الگوی یکسان طراحی در هزاره چهارم پیش از میلاد در شوش II. مأخذ: Desset, 2012, 9.

جدول ۷. مقایسه تطبیقی میان گودین تپه، شوش III و تل ملیان از منظر سازمان فضایی، مصالح و هندسه پلان. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه تحلیلی	گودین تپه	شوش III	تل ملیان (انسان)
هندسه پلان	- اتاق‌ها با شکل مربع، مستطیل و گاه غیرهندسی - ترکیبی از فضاهای منظم و غیرمنظم - چیدمان تابع شرایط توپوگرافی	- اتاق‌های مستطیل باریک و منظم - فضاهای باز، میان بلوک‌های مسکونی - نشانه‌هایی از تغییرات فرهنگی در سطوح معماری	- ساختار متراکم و ارگانیک - ترکیب فضاهای مستطیلی، چندضلعی و راهروهای باریک - اتصال فضاها با زوایای نامنظم
مصالح ساختمانی	- دیوارها از خشت و چینه - کف حیاط‌ها با اندود گل	- آجر گلی به‌عنوان ماده اصلی - استفاده از گل اخرا برای پوشش داخلی در برخی بخش‌ها	- دیوارها از آجر پخته با ملات گچ - پی‌سازی با قلوه‌سنگ و گل آجری - کف‌سازی ترکیبی با گچ و خاک‌رس - سقف با تیر چوبی
سازمان‌دهی فضایی (اجاق و دیوار میانی)	- اتاق مستطیل با دیوار طویل و ضخیم - تورفتگی مستطیل‌شکل (اجاق یا سکو) در مرکز دیوار - دو ورودی قرینه در دو سوی اجاق - اتصال اتاق مرکزی با فضاهای جانبی	- دیوار مرکزی با اجاق میانی - درگاه‌های قرینه در دو طرف اجاق - وجود طاقچه‌ها و فرورفتگی‌های کاربردی در دیوارها	- طرح مشابه با اجاق مرکزی و درگاه‌های قرینه - ورودی از طریق حیاط یا راهرو به فضای مرکزی - کاربری آیینی، گرمایشی یا پخت‌وپز برای اجاق
نتیجه‌گیری تطبیقی	- اشتراک فضایی با محوطه‌های ایلامی معاصر - نشانگر روابط فرهنگی و انتقال الگوها در زاگرس و جنوب فلات	- تأیید اشتراکات طراحی با دیگر مراکز ایلامی - نشانه‌ای از ارتباطات گسترده منطقه‌ای	- پیروی از الگوی معماری مشترک - بازتاب تلفیق عملکردهای کاربردی و آیینی در طراحی فضای

گنج‌دره، به‌عنوان سکونتگاهی نوسنگی، با ساختاری جمع‌وجور و سازمان‌دهی فضایی درون‌گرا، بیش از هر چیز بر پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی اولیه استوار بوده است. فقدان نظم هندسی روشن در معماری، بهره‌گیری از مصالح ساده بومی و پیوند تنگاتنگ میان کارکردهای زیستی و آیینی، این محوطه را به الگویی بنیادین از نخستین روستاهای پیش از تاریخی بدل می‌سازد. در مقابل، گودین‌تپه با لایه‌های متراکم، معماری سازمان‌یافته و شواهدی از تداوم سکونت چندهزار ساله، بیانگر مرکزی پایدار است که علاوه بر نقش کالبدی و اقتصادی، کارکردهای فرهنگی و مذهبی آن تا دوره‌های تاریخی متأخر نیز ادامه یافته است؛ بدین ترتیب، گنج‌دره به‌عنوان نمادی از نخستین تجربه‌های یک‌جانشینی و گودین‌تپه تجلی بلوغ و

پیچیده‌تر به اشکال متنوع تکرار شده‌اند، اما ریشه آن‌ها را باید در شکل‌گیری نخستین ساختارهای مسکونی-آیینی همین دوره جست‌وجو کرد. در ادامه، جدول ۷ ویژگی‌های معماری و فضایی این سه محوطه را در قالب مؤلفه‌های تحلیلی به‌صورت تطبیقی مقایسه می‌کند.

نتیجه‌گیری

منطقه کرمانشاه با محوطه‌های شاخصی چون گنج‌دره و گودین‌تپه جایگاهی برجسته در شناخت فرهنگ‌ها و الگوهای معماری پیش از تاریخ ایران دارد. تحلیل کالبدی و فضایی این دو محوطه نشان می‌دهد که هرچند هر دو در زاگرس مرکزی واقع‌اند، اما بازتاب‌دهنده دو گونه متفاوت از استقرار انسانی‌اند.

باستان‌شناسی و مطالعات تطبیقی بیشتری با تمرکز بر تحلیل کالبدی محوطه‌های پیش از تاریخی ایران صورت گیرد تا ابعاد ناشناخته تعاملات فرهنگی و سازه‌ای در این گستره تمدنی روشن‌تر شود. در ادامه، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل ویژگی‌های معماری گنج‌دره و گودین‌تپه و مقایسه آن‌ها با سایر محوطه‌های هم‌دوره ارائه می‌شود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای آن‌ها وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ظرفی بزرگ، مدور و سفالی که در معماری و یافته‌های باستان‌شناسی به‌ویژه در محوطه‌های نوسنگی دیده می‌شود. از این ظرف برای آماده‌سازی و ورز دادن خمیر نان یا نگهداری مواد غذایی استفاده می‌شده است.
۲. گشودگی کوچک و باریک در دیوار
۳. قطعه گلی برای بستن و مسدود کردن مزل‌ها
۴. کاسه لبه‌واربخته (Beveled Rim Bowl) از شاخص‌ترین سفال‌های دوره اوروک (نیمه دوم هزاره چهارم پ.م) در بین‌النهرین و فلات ایران است. این ظروف کوچک، زمخت و انبوه‌ساز، با لبه‌ای به‌سمت بیرون برگشته ساخته می‌شدند و در محوطه‌های مختلفی از شوش تا تپه یحیی به‌دست آمده‌اند. درباره کارکرد آن‌ها نظریه‌های گوناگونی مطرح است: از قالب نان و کاسه جیره غذایی برای کارگران گرفته تا ظرف‌های آیینی و پیشکش نذورات (Ghaedi et al., 2025).
۵. controlled multivocality

فهرست منابع

• ادیب‌زاده، بهمن؛ رازجویان، محمود؛ مصطفوی، فاطمه و

پیوستگی میان فرهنگی در فلات ایران به‌شمار می‌آیند؛ دو محوطه‌ای که در کنار یکدیگر مسیر تحول سکونت و معماری از زیست ساده‌ی روستایی تا ساختارهای پیچیده نهادی را روشن می‌کنند. پاسخ به پرسش نخست پژوهش نشان داد که برخی از ویژگی‌های معماری گنج‌دره، به‌ویژه در لایه D، با محوطه‌های هم‌دوره همچون تپه‌زاغه، سنگ‌چخماق و شیخی‌آباد شباهت‌هایی دارد. استفاده از خشت‌های کوژ، پلان‌های چهارگوش یا دوزنقه‌ای و الگوی فضایی «چسبیده»، حاکی از وجود جریان‌های مشترک معماری است که می‌تواند نتیجه الگوگیری منطقه‌ای، شرایط اقلیمی یا تعاملات فرهنگی باشد. در پاسخ به پرسش دوم نیز مقایسه گودین‌تپه با محوطه‌هایی چون شوش III و تل ملیان نشان داد که در عصر مس و سنگ، الگوی معماری مشترکی با عناصری چون اتاق‌های مستطیل‌شکل، درگاه‌های قرینه و فرورفتگی‌های دیواری رایج بوده است. این همسانی‌ها بر تبادلات فرهنگی و انتقال دانش فنی از رهگذر شبکه‌های تجاری و ارتباطی آن دوران دلالت دارد (جدول ۸). در مجموع، یافته‌های این پژوهش جایگاه کرمانشاه را به‌عنوان یکی از کانون‌های نوآوری‌های معمارانه در دوران پیش از تاریخ برجسته می‌سازد؛ منطقه‌ای که نقشی مهم در انتقال و بومی‌سازی الگوهای معماری به سایر بخش‌های فلات ایران ایفا کرده است. چنین نتایجی می‌تواند به درک بهتر تحولات معماری و فرهنگی دوره‌های نوسنگی و مس و سنگ یاری رساند و زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در آینده باشد؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود کاوش‌های

جدول ۸. نتیجه قیاس تپه گنج‌دره با تپه‌های هم عصر. مأخذ: نگارندگان.

مقایسه گودین‌تپه (با شوش III و تل ملیان)		مقایسه گنج‌دره (با تپه شیخی‌آباد، تپه‌زاغه و تپه سنگ‌چخماق)	
تفاوت‌ها	شباهت‌ها	تفاوت‌ها	شباهت‌ها
فقط در تل ملیان از تیرهای چوبی استفاده شده است.	استفاده از خشت در دیوارسازی	تفاوت در راستای جهت‌گیری‌ها	استفاده از دیوار چینه‌ای
-	هندسه مربع-مستطیل شکل در پلان	وجود یک فضای آیینی مجزا از بخش مسکونی در تپه‌زاغه و وجود آتشدان در تپه سنگ‌چخماق	استفاده از هندسه چهار گوش
-	در تل ملیان و گودین‌تپه از سنگ برای پی‌سازی استفاده شده است.	تفاوت در محل تلاقی دیوارها	وجود جهت‌گیری مشخص در بناهای هر محوطه
-	وجود الگوی یکسان طراحی در هزاره چهارم پیش از میلاد	تفاوت در فرم و ساختار پشت‌بندها	استفاده از مجموعه گوسفند در تپه شیخی‌آباد و گنج‌دره به‌عنوان نماد در فضای آیینی
-	-	-	استفاده از پشت‌بند برای تقویت دیوارها

- Gopnik, H., & Mitchell, R. (2016). *On the high road :the history of Godin Tepe, Iran* (M. A. Mirqaderi & H. Sabouri, Trans.). Center for the Great Islamic Encyclopedia, Center for Iranian and Islamic Research. (Original work published 1960).
- Hole, F. (1995) Assessing the past through anthropological archaeology, In J. M. Sasson (ed.) ,*Civilizations of the Ancient Near East* (pp. 2715 -2727). Scribner.
- Hole, F. (2009). *The archaeology of western Iran: settlement and society from prehistory to the Islamic conquest* (Z. Basti, Trans.). Mehr Publications. (Original work published 1931).
- Javidnia H., & Hozhabri, A. (2020). Discovered Architecture in Tepe Ziviyeh; Castle or Sanctuary in the First Millennium B.C. in Western of Iran. *Parseh J Archaeol Stud.* 3(10), 51-67. <https://doi.org/20.1001.1.26455048.1398.3.10.3.7>.
- Kleiss, W. (2018). *Geschichte der Architektur Irans* (S. Khaljnia, Trans.). Cultural Heritage and Tourism Research Institute. (Original work published 2015).
- Le Brun, A. (2020). The Susa III period: Architecture and material culture, In J.-P. Delougaz (ed.), *Susa and Elamite architecture* (pp. 99–112). CNRS.
- Lyman, R. L., O'Brien, M. J., & Dunnell, R. C. (1997). *The Rise and Fall of Culture History*. Plenum Press.
- Matthews, R. (2003). *The archaeology of Mesopotamia: Theories and approaches*. Routledge.
- Perrot, G., & Dollfus, G. (1997). *Suse et le Sud-Ouest de l'Iran: l'histoire et l'archéologie* [Susa and Southwestern Iran: History and Archaeology] (H. Eqbal, Trans). University Publishing Center.
- Pollock, S. (1999) *Ancient Mesopotamia*. Cambridge University Press.
- Rotea, R. B., Borrazás, P. M., & Vila, X. M. A. (2003). Archaeology of Architecture: theory, methodology and analysis from Landscape Archaeology, In X. M. A. Vila, R. B. Rotea, & P. M. Borrazás (eds.), *Archaeotecture: Archaeology of Architecture* (pp. 17–39). BAR Publishing.
- Smith, P. E. L. (1974). Architectural remains of the Neolithic Ganj Dareh. *Iran*, 12, 23–40.
- Smith, P. E. L. (1986). Palaeolithic archaeology in Iran, In W. L. Hanaway Jr. & B. Spooner (eds.), *American Institute of Iranian Studies monographs* (Occasional Paper 13). University Museum.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۸۴). آثار خانه در ایران از نوسنگی تا ساسان. انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری.
- جاویدنیا، حسام‌الدین و هژبری، علی. (۱۳۹۸). معماری بنای مکشوف در تپه‌زیویه: قلعه یا نیایشگاهی در هزاره اول پیش از میلاد (غرب ایران). *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۳(۱۰)، ۶۷–۵۱. <https://search.isc.ac/dl/search/defaultta>. ۱۱۶۷۶۵۲=۸&DC=aspx?DTC
- خانی‌پور، مرتضی؛ ناصری، رضا؛ خسروی، سلمان؛ زراعت‌پیشه، میلاد و عمادی، حبیب. (۱۳۹۳). تبیین فرهنگ‌های هزاره سوم پیش از میلاد حوضه رود کر براساس کاوش تل گپ‌کناره، مرودشت. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۶(۲)، ۵۸–۳۹. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2015.54171>.
- قربانی، حمیدرضا؛ زنگنه، لیلیا و زارعی، علی. (۱۳۹۸). معماری و سازماندهی فضایی-اجتماعی فرهنگ کورا-ارس در دو سوی دریاچه ارومیه (مطالعه موردی: یانیک‌تپه، هفت‌توان‌تپه، گوی‌تپه). *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۰(۲)، ۱۹۷–۱۵۵. https://journals.modares.ac.ir/article_22932.html
- محمدی‌فر، یعقوب؛ متیوس، روجر؛ متیوس، وندی و مترجم، عباس. (۱۳۹۰). پروژه باستان‌شناسی زاگرس مرکزی (CZAP): گزارش مقدماتی کاوش تپه شیخی‌آباد صحنه و تپه‌جانی اسلام‌آباد غرب. *نامه‌های باستان‌شناسی*، ۱۱(۱)، ۳۰–۹. https://nbsh.basu.ac.ir/article_317.html?lang=fa.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق. (۱۳۸۵). *ایران در پیش از تاریخ*. معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- Andaroodi, E., Talebian, M. H., & Mohtasham, A. (2020). Examining the architecture of the proto-Elamite and Elamite periods according to Tal-e-Malyan as ancient city of Anshan in Fars. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 25(1), 55-66. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2020.280559.672263>.
- Braidwood, R. J., & Howe, B. (1960) *Prehistoric Investigations in Iraqi Kurdistan (Studies in Ancient Oriental Civilizations 31)*. University of Chicago Press.
- Collis, J. (1999) 'The nature of archaeological evidence', In G. Barker (ed.), *Companion Encyclopedia of Archaeology* (pp. 81- 127). Routledge.
- Desset, F. (2012). An architectural pattern in late fourth-millennium BC Western Iran: A new link between Susa, Tal-i Malyan, and Godin Tepe. *Iran*, 52(1), 1–18. <https://doi.org/10.1080/05786967.2014.11834734>.
- Ghaedi, A. M., Yousefi Zoshk, R., & Sodaei, B. (2025). The Function of Bevelled-Rim Bowls: Insights from the Warka Vase. *Parseh J Archaeol Stud*, 8(30), 63-85. <https://doi.org/10.61882/PJAS.8.30.63>.

- Smith, P. E. L. (1997). Architectural innovation and experimentation at Ganj Dareh, Iran (K. Abdi, Trans.). *World Archeology*, 21(3), 323-335. (Original work published 1991).
- Sumner, W. M. (2003). Early urbanization on the Iranian Plateau: The case of Tal-i Malyan, In D. Potts (ed.), *The archaeology of Elam* (pp. 22-45). Cambridge University Press.
- Talebian, M. H., Malekzadeh, M., & Taheri, A. (2023). assessment of the architectural concept of places of worship during the Medes era in Noushijan Tappe, Zarbolagh and Tappe Ozbaki. *Journal of Fine Arts:Architecture and Urban Planning*, 27(3), 59-72. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2023.346055.672789>.
- Tangrams. (n.d.). Tangrams website. Retrieved May 14, 2025, from <https://www.tangrams.github.io>
- Tringham, R. (1995). Archaeological houses, households, housework and the home, In D. N. Benjamin (ed.), *The Home: Words, Interpretations, Meanings, and Environments*, Aldershot: Avebury, 79-107 <https://short-url.org/1keGg>.
- Tsuneki, A. (2014). *The site of Tappeh Sang-e Chakhmaq. In The first farming village in Northeast Iran and Turan: Tappeh Sang-e Chakhmaq and beyond* (Symposium, Tsukuba, 10-11 Feb 2014) (pp. 5-6). University of Tsukuba.
- Young, T., & Cuyler J. (1969). Excavation at Godin Tepe: First progress report. Art and Archaeology, Royal Ontario Museum, *Occasional Paper 17*, 1-2. <http://hdl.handle.net/11401/88930>.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مهدویان، سیده سعیده؛ اندرودی، الهام؛ صامعی یزدی، پگاه و طالبیان، محمدحسن. (۱۴۰۵). واکاوی معماری دوران نوسنگی و مس و سنگ در کرمانشاه (مطالعه موردی گنجدره و گودین تپه). *مجله هنر و تمدن شرق*، ۲۷(۳)، ۵۹-۷۲.

DOI: [10.22034/jaco.2026.524244.1477](https://doi.org/10.22034/jaco.2026.524244.1477)

URL: https://www.jaco-sj.com/article_238418.html

